نظر در واقعات وانیقع

هو مخبر بخبر خیر البشر خیالی واقعات واقعی را بطفیل اسم حیدر و بحکم
شاه سلیمان جاه نایب مهدی نصیر الدین حیدر بادشاه بوقوع می آرد و ان
واقع است هرچند وقایع لی پیوند ضایع و بدایع موقع در وقوع خطابهای مکللات
افتخار الزمانی مریم مکانی جناب بیگم صاحبه جناب مخدره زمان حضور جناب عالیه متعالیه
نواب سلطان بیگم شاه جم جاه دام سلطنتهم ملکه زمانی صاحبه مخدره علیا صاحبه
تاج محل صاحبه رقیه سلطان بیگم صاحبه بادشاه محل صاحبه عیش محل
مهد علیا نواب مبارک محل عزت النسا بیگم سرفراز محل ممتاز محل سلطان مریم صاحبه
صاحبزادی صاحب کلان جینا بیگم زهره محل محل نفیسه آصف الدوله مرحوم

بفضل ایزد متعال عاجز از کتاب و کتابت مکتب فارغ البال گشته بتلاش معاش
قدم فرسوده و هرجا که سررشته چاکری دست داد مضمون این شعر اتفاق افتاد شعر رشته در
گردنم افکنده دوست میبرد هرجا که خاطرخواه اوست اول اتفاق بعهده نشان همراه قطب الدین خان
ناظم پسواره افتاد بعده نزد مولوی تفضل علی صاحب سررشته دار کچهری صدر الصدور که از طرف حضور
بنام اقبال الدوله بهادر مامور گشته بود پس ازان بر تحریر روداد زبانی خدمت اخبار متعلقه دربار دولت
مقرر گشت ازان بعد در دفتر خزانه سرکار عالی همراه اعظم الدوله معین گردید پس بسعی و طلب
فخر الدوله منشی الملوک مهاراجه رتن سنگه بهادر به نیابت آن رسید و هرجا که اتفاق تحریر روداد
رودادی مجتمع نموده بنیاد کتاب نهاد نامش منظور الحضور و هر چند نظر سطور که از نام پر
تفصیل آن خواهد افتاد نظر در واقعات واقعی نظر در بهجت الانشا نظر در حصه کل

جعفر علیخان علی بهادر پسر مرزا محمدی متوفی نبیره نوازش علیخان متوفی سلطان علیخان

پسر سالار جنگ متوفی عباس قلیخان خسر رکن الدوله حسین علی پسر قاسم علیخان متوفی

کلب علیخان سلطان احمد مرزا پسر فتحعلی شاه شاهزاده ایران مرزا عباس

مرزا علیخان

پسر سالار جنگ متوفی مرزا امام علیخان مرزا سیف علیخان متوفی موقع نوفوع

خطابهای امرا وزیر الممالک نواب صاحب بهادر جرنل صاحب بهادر افتخار الدوله مهاراجه

میوه رام بهادر راجه بال کرشن فخر الدوله دبیر الملک راجه رتن سنگه بهادر

راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ ظفر الدوله بهادر مبارز علی و ناظم علی و نجف علی

پسران ظفر الدوله بهادر مظفر علیخان جعفر علی پسر مظفر علیخان محسن علیخان متوفی

میر حسین نجفی بزنه مرزا علی داروغه معزول دیوڑهی مریم مکانی بیگم صاحب محمد شفیع

پسر میر حسین نجفی شرف الدوله محمد عباس برادر وزیر الممالک نواب صاحب بهادر راجه سیودرشن سنگه

احمد علیخان برادر مهدی علیخان حکیم نتهه چودهری نبیره دوارکا داس مرزا ابو القاسم

مرزا علی داروغه معزول دیوڑهی مریم مکانی جناب بیگم صاحبه مرزا لطف برادر جناب بیگم صاحبه

آغا میر متوفی راجه بهادر پسر دولت رای متوفی رام دیال سفید درگاهی مرزا تقی متوسل

رام دیال منشی گلزار مل متوفی موهن لال پاٹک اگهن لال حسن علی پسر محمد حسن خان متوفی

علی اکبر خویش ظفر الدوله بهادر تحسین خواجه سرا کندن لال پاٹک حکیم واجد علی ساکن نجف

حرم جلال الدوله دختر منجهلی بیگم متوفاة و آ… مهد علیا صاحبه والده رکن الدوله

دربار بی بیگم زینب خانم دختر سالار جنگ متوفی خرد محل فیض آباد نواب شجاع الدوله مرحوم

زوجه حسین علیخان متوفی نیارسی محل گمانی خانم پرورده بهو بیگم محل نواب آصف الدوله مرحوم

والده مهد علیا نواب مبارک محل عزت النسا بیگم مبارک محل پل تخته نواب آصف الدوله مرحوم

خرد محل نواب آصف الدوله مرحوم موقع بوقوع خطاب وزیر نواب شجاع الدوله مرحوم

نواب آصف الدوله مرحوم حضرت جنت آرامگاه نواب سعادت علیخان موقع بوقوع

خطاب شاهان حضرت خلد مکان غازی الدین حیدر بادشاه حضرت خلد منزل نصیر الدین حیدر

بادشاه حضرت فردوس منزل محمد علی بادشاه موقع بوقوع خطاب های شاهزادگان

فریدون بخت بحکم نانی منا پرورده مریم مکانی کیوان جاه پسر ملکه زمانی و دختر ملکه زمانی

عمرو عنایت علی

موقع بوقوع خطاب صاحبزادها نواب نصیر الدوله رکن الدوله محسن الدوله ناصر الدوله

مبارز الدوله پسر شمس الدوله صادق علیخان متوفی باقر علی پسر حسین علیخان متوفی

مدار الدوله متوفی دوله قرابتی جناب مخدره زمان حضور جناب عالیه متعالیه نواب سلطان بیگم

بخش علی متقند

شاه جم جاه دام سلطنتهم فتح علی برادر وارث علی قرابتی ملکه زمانی صاحبه امیر علی

برادر تاج محل صاحبه عنایت علی پسر ناصر الدوله مرزا نصیر مرزا سید مرزا جو کاظم علیخان

سجاد عسکری پسر مرزا امید متوفی و نبیره سالار جنگ متوفی حسین علیخان پسر جعفر علیخان

ما لضامن بنی رام مساجد گنجہات چوک تمانہ شتر سواران توپخانہ بکرما آہنی دوان

متعلقہ فرح بخش شیر دروازہ کوٹھی دلکشا نعمتخانہ برفخانہ بکرما چہاولی سندیلو

ممن و محمد بخش مقید

دیندیال چودہری داروغہ نجم عیش باغ کوٹھہ جھجھی بہون نظر علیخان داروغہ اسپاغان من

توپخانہ سلیمانی

باکرعالم نگر عیش باغ موقع بوقوع اسامی متفرقات سبحان علیخان احسان حسین

مظفر حسین خادم حسین کنجہاری لالل داروغہ بربست قمرالدین مساجد کچہری

آبکاری صندل داروغہ کچہری ارباب نشاط وصدر و چکلہ چکلہ تہہ چودہری نمبرہ

دوار کاداس چہاونی مصطفیٰ خان قندہاری آہنی دروازہ متعلقہ موتی محل جیلخانہ کلان

باغ براون موقع بوقوع اسامی کچہری ہا کچہری عدالت دیوانی کچہری عدالت فوجداری

کچہری عدالت اپیل متعلقہ دردولت کچہری بخشی کچہری دیوانی کچہری دار الانشان کچہری احتساب

کچہری مہمات نکاسی باغات محکمہ چبوترہ کلان کچہری داغ نصیحہ چبوترہ چودہری بازار

دارالضرب موقع بوقوع نامہائے امام بارہ ہا و کربلا امام بارہ کلان امام بارہ نو خان

امام بارہ آغا باقر امام بارہ حسن رضا خان متوفی نجف اشرف درگاہ حضرت عباس علیہ السلام

مقبرہ حضرت جنت آرامگاہ کربلای حسینی کربلای تال کٹورہ کربلای آنزوی دریا

موقع بوقوع اسامی گنجہات وغیرہا دولت گنج صفی گنج نوازگنج معظم نگر رام نگر

گولہ گنج سوت ہٹی رستم نگر قلعہ جلال اباد ارادت نگر علی گنج خاص بازار حسین گنج

ماہیولال ابوالقاسم پسر مرزا ابوطالب خان متوفی حیدر حسن خان و حسین علیخان

واحد علیخان عرف مرزا چوہڑ نور علیخان اکبر علیخان پسر حیدر بیگخان متوفی حسن علیخان

پسر حیدر بیگخان متوفی میمنت خواجه سرای محل مریم مکانی جناب بیگم صاحبه صاحب اسم

پورنچند متوفی فضل علی متوفی قادر علیخان محترم خواجه سرای محل مریم مکانی [ثانی] گوپال [مهاجن]

عبدالقاسم عینک ساز گوردیال متوفی شیرچند بخشی [انگولال] بدریداس متوفی نزهت خواجه سرا

مرزا ابوتراب اردومل متوفی مقید بهادر سنگه ملازم سرکار عالی لالجی نایب جرنیل صاحب بهادر

موقع بوقوع اسامی سالداران [وکمیدان] فقیر محمد خان میدو خان مخاطب بخطاب ظفریاب خان بهادر

عبدالباقی خان قندهاری عبدالمعبود خان قندهاری مصطفی خان قندهاری رکناته سنگه کمیدان

کوشتین بروبت سوبا سنگه کمیدان باقر علی اجین پسر عنایت علیخان متوفی

امام علی و لطف علی جماعه دار بارکزان احمد علی سالار [میر علی اکبر] سالار بخش پسر رمضانی خان

میوانی متوفی راجه مادهو سنگه سوای سمیر سنگه کمیدان موقع بوقوع اسامی

عاملان سیف الدوله متوفی عامل معزول بهرایچ [گوبردهن دیرندهن] راجه بختاور سنگه راجه درشن سنگه

خواجه محمود عامل بانگرمو وغیره موقع بوقوع اسامی کارخانجات وغیره رساله لالخان

رساله کوسین بروبت محمد احمد خان داروغه نعمتخانه قنبر علیخان داروغه نعمتی حسن رضا خان

داروغه توپخانه بالک گنج خیراتی زردوز فراشخانه جوبرجی بخشنوداس نقاش

وجناب ممدوحه پنج پهر روپیه را طعام بخت ساخته نیاز گردانید و محمد علی حکیم نامی

مردانه همراه سر خواجه سرا اندرون محل رفته نبض جناب ممدوحه شناخته

نسخه نوشت و بیرون آمده باهر کرد که قبض ظاهرست و جناب ممدوحه

بتشخیص حکیم مذکور تبرید نوشیده قبض شکم خفیف تخفیف ست و علی بخش

چوبدار حکم جناب ممدوحه زبانی محرم خواجه سرا یافته بعلی رضا کوتوال رسانید که مدار آری

نامی کهار ساکن احاطه میرجان را که آرزوی دریا واقع ست طلبداشته در قید دارد

تا وقتی که راضی نامه خیر آن اصیل ساکنه احاطه مسطوره ندهد مگذارد و کریم بخش چوبدار

چهار سینی طعام برای بندگان قبله عالم و عالمیان بدلکشا میبرد قبله عالم بردر دلکشا

دیده از نظر علی داروغه اصطبل ارشاد فرمودند که این خوانها از کجاست داروغه مذکور

بجواب التماس رسانید که از دیوڑهی محل مریم مکانی جناب بیگم صاحبه ارشاد شد که

از چوبدار بگو که این خوانها را ببرد چرا که خوانپوش نیست و بسته هم گرد آلود است

داروغه مذکور چوبدار را باز راند درین اثنا شیر علی چوبدار ملازم سرکار دولتمدار

محتشم خواجه سرا را برد خواجه سرا مذکور بعد چهار گهڑی آمده نزد جناب ممدوحه

رفت و از انجا بیرون آمده بدلکشا راهی شد سپس جناب ممدوحه خوانهای

دیگر بمعیت لال خان چوبدار بر در دولت فرستاد و پاس روز برآمده که فراز علی خان

خیالی گنج فرنگی محل کمانگرآباد حیدرآباد مکارم نگر فتح گنج رکاب گنج قدیم کاکی گنج خرد
سرای معالی خان شاه گنج وزیرآباد قدسیه گنج چکله مهاجنان بهولهای ننهدوی مهدی گنج
کهدرا سلطان گنج رفعت گنج

موقع در وقوع وقایع محلات

خبر دیوڑهی مریم مکانی جناب عصمت الهی خانم وغیره دو مغلانی بسواری ڈولی از محل
بخانه خود ها رفتند و مرزائی خانم وغیره سه مغلانی و پیشخدمت بسواری ڈولیها
از خانه خود ها بمحل آمدند و نزهت خواجه سرا سه هزار روپیه برای پخت طعام
ماه محرم الحرام و در سبیل آب سبیل ها یافت و جناب ممدوحه معرفت همین خواجه سرا
مجلس معمولی روز دوشنبه نموده سی روپیه را شیرینی تقسیم نمود و کشن
کارنده خواجه سرای مذکور بیست هزار روپیه بابت بقایای خود یافت
و از تخت درگاه حضرات ائمه علیهم التحیات بمقدار یکهزار و دو صد روپیه تعبیه های
نقره بدزدی رفت لهذا جناب ممدوحه لاڈو خانم وغیره ده مغلانی را زدوکوب
نمود و کسی مغلانی از محل بخانه خود محل رفتن نیافت و میر حسین نجفی بر حسب طلب
جناب ممدوحه حاضر آمد نزهت خواجه سرا گفت محمد شفیع پسر خود را نمی فهمانی
که از حرکات ناشایسته باز آید جواب داد که پسر من از فهمایش من نمی فهمد
خواجه سرا مسطور گفت که اگر از گفته تو نمی فهمد دیگری را کی درخیال خواهد آورد

خود هشت چنگیر انار ولایتی و رنگتره و کسیرو و دو قطعی انگور رسانیدند و فتحعلی

روته نوزده روپیه را خورده خسته اجناس و مرادیها دست پیاری کهار بی

و امام بخش داروغه باورچیخانه نه روپیه را طعام دستارخوان ایمن بخت شاه مع دیگر اسامی

مفصل ذیل و خضرا نوکر فتحعلی فتیله فروش نجیب فتیله جزلی و مناگهوسی چهار سوی

شبیر از کارخانه بردیورهی رسانیدند بخشی وغیره کهاربان در محل بردند منج روز میشود

که کریم النسا مغلانی دست رحیما نوکر خود یک جوری کره مرصع طلا پوشیده بخانه فرستاده بود

مدهو و علی بخش وغیره سپاهیان ملازم بمزاحمت رسانیده در محل فرستاد و رحیما را که در قید

داشته بودند امروز از فرموده مریم مکانی زبانی میمنت خواجه سرا رها ساخت و اله بخش

و بدهو کهار نوکر مریم مکانی مع زن خودها بخانه رفتند و مقبول درباری که برای

بند ساختن قفل دروازه که طرف خواص پوره واقع است رفته قفل را از سپاهیان

طلب کرد گفت که الهی بخش خواجه سرا قفل زده کلید برده است زبانی اودی هرکاره

دیگر امروز از محل مریم مکانی جناب بیگم صاحبه لاڈو خانم وغیره دو مغلانی بخانه خود فرستند و

حسینی خانم وغیره چهار مغلانی و شش خدمت از خانه خودها بمحل آمدند و سبب دسک رسیدند

امامی پسر بهوانی میوه فروش و منصف سبد انبه گهسیتا میوه فروش بردیورهی

رسانیده رفتند و سرفراز علی آمده تا دو پهر نشسته بخانه رفت و فرزندان نجف شکر کهری

تا دو پاس نشسته روانه خانه شد و حسین علی پسر امامی خانم از مادر مطلوبه

خود دو گهری سخنان نموده رفت و محمد شفیع پسر میر حسین نجفی پاس روز برآمده

در دولت فلک رفعت حاضر شد و چهار گهری روز مانده در مکان کچهری آمد

و فریدون بخت دو گهری روز برآمده کلاه جامدانی و انگرکه جامدانی و پایجامه گلبدن

رنگ کلنار پوشیده از محل بیرون آمدند و بسواری اسپ در باغ رفته بعد چهار گهری

اسپ را دو گشت گردانیده چاشت بسواری مسطور از طرف دیوڑهی های

خواص پوره اندرون آمدند و برفور از دیوڑهی قنات اسپ سواره بیرون آمده

دو بار اسپ را گردش داده بمحل رسیدند و پاس روز مانده با همان لباس پیاده

در باغ رفتند و تا شش گهری قیام پذیر رفته کلاه مغلی و کمیچ و جاکٹ و واسکٹ

و کورتی اطلس رنگ سیاه و پتلون سفید پوشیده بر اسپ بر نشسته و دو اسپ دیگر را

دو بار گردش داده اسپ سواره تا دیوڑهی قنات آمده بر بوچه سوار شدند

و در باغ رفته بعد یک لحظه بسواری مسطور باز از دیوڑهی قنات تا دروازه باغ

پیاده پا رفته و معاودت نموده در محل رسیدند زبانی پورن دهلو دسوج هرکاره ها

دیگر امروز بر دیوڑهی مریم مکانی منهی ز باغبان از باغ واقع بالک گنج شش جنگیر

گل های گلاب و تره و آلو و کشن کارنده هیمنت خواجه سرا دست غلام محمد نوکر خود

ناپسند افتاد نقره سابق از اسباب سوخته برای درستی ظروف معرفت میمنت خواجه سرا
به گجو زرگر حواله شده بود امروز زرگر مذکور ظروف تشتری و نیلی ها درست ساخته رسانید
و شش من شیر خرید شده بمحل رسید و مدد باورچیخانه متصل شبینه محل سابق دستور
جاری است و فرزندان و بخت دو گهری روز برآمده بسواری توجه باغ رسیدند پاسی از
روز برآمده داخل محل شدند زبانی سورج هرکاره خبر دیوڑهی جناب مخدره زمان
حضور جناب عالیه متعالیه نواب سلطان بیگم شاه جهان دام ظلهم امروز که یازدهم
ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ هجری است جناب مخدره زمان شش گهری روز مانده ازین جهان فانی
بعالم جاودانی رخت رحلت بربستند خبر دیوڑهی ملکه زمانی [illegible] امروز از محل ملکه زمانی صاحبه
صاحب خانم وغیره چهار رنگلانی و مسجد بخانه خود رفتند خبر ماما و امیران اصیل
و باقی مرتبه خوانان و ولایتی خانم کتابخوانان از خانه خود ها بمحل آمدند و مسماة نیاز کلفه و شش
صد روپیه بابت قیمت کلها یافت و بهوریا چراسی یکصد و هفتاد و هشت روپیه بخانه
کتابخوان مسطوره رسانید و ممو و عبدالله نوکران همراه فرحت خواجه سرا با نظام و آنه
اندرون محل رفته بدری دوشاله ها درست کرده بیرون آمدند و پنجاه روپیه رکابی طلا و
مان الله وغیره فراشان و خیاطان را امداد شد و یکصد و شش درعه لچکه و گوته نقره
از اسالکرام براز معرفت جبرن ماما اندرون محل رسید و حکیم گدا حسین نوکر و بنده حسن ملازم

روز برآمده کلاه جامدانی و انگرکها جامدانی و پاجامه کلیدت رنگ کلنار پوشیده
از محل بیرون آمده بسواری بوچه در باغ رفتند و دو گهری در باغ قرار گرفته
بسواری سطور نا دیوڑهی قنات آمده بمحل آمدند و پاس روز مانده بهان لباس باز
بیرون آمده بسواری بوچه در باغ رفتند و برای سوار شده دو اسپ را در صحن باغ و بر
دیوڑهی تا چهار گهری گردانیده قریب شام بسواری بوچه تا دیوڑهی قنات آمده پیاده
بمحل رسیدند زبانی پورن برکاره دیگر امروز بر دیوڑهی مریم مکانی آفرین خواجه سرا
چهار چنگیر تره و نوران زن باغبان از باغ واقع پالک گنج ده چنگیر کناره دهلی وغیره و سید گذر
دیلهو باغبان از باغ واقع امام باغ شش چنگیر تره و غلام محمد نوکر کشن کار زده میمنت خواجه سرا
هشت چنگیر انار ولایتی و رنگتره و میتها و دو قطی انگور رسانیدند و امام خان روتنه بست و بحروه
را خورده خسته اجناس و مراد بها دست یاری کهاری اندرون محل رسانید و امام بخش داروغه
باورچیخانه نه روپیه را طعام دستار بخت خسته خوان و خضر نوکر فتحعلی فتیله فروش پنج بستر فتیله چربی
و مکا گهوسی چهار سبوی شیر از کارخانه بر دیوڑهی رسانیدند کشی وغیره کهاران پاتو بند ادوی ربالی
دیگر امروز از محل مریم مکانی رحیا وغیره چهار ڈومنی و کمانی خانم وغیره چهار مغلانی و سید نسبت
و نوبانی سیدانی بسواری ڈولیها بخانه خود رفتند و هزار روپیه را طعام نیاز بخت شد
و میمنت خواجه سرا هزار روپیه بابر خرید ظروف چینی از محل آورده بدفتر آمدند تا بستند:

کهرچی ساز یک طبراکه زری خشت دست اصیل مسطوره در محل فرستاد پانزده روپیه
با موهاداد شد زبانی سری کشن هرکاره دیگر امروز از محل ملکه زمانی عباسی خانم صاحبه معلانی
بخانه رفت و صاحبه ممدوحه پنجاه روپیه بابت تنخواه ولایتی خانم که دیروز قضا نموده بود
معرفت رمضان چپراسی بخانه اش فرستاد زبانی گوردیال هرکاره دیگر امروز در محل
ملکه زمانی صاحبه زن نصیب چیله متوفی و ولایتی خانم وغیره دو مغلانی از خانه خود ها آمدند
و امامی خانم وغیره از محل بخانه خود ها رفتند و امامی خانم اصیل یک قفس نقره برای
مرمت آورده بر بهره دو رهی داشت و لاڈو مهری یک تهان کلبدن از ان سالگرام بزاز
و یک تهان کلبدن از ان صادق بیک دلال محل برد و گلبی اصیل شست درعه و چهار ده
گره مشکلات از ان مشکل بزاز رسید زبانی سری کشن هرکاره دیگر امروز از محل
ملکه زمانی صاحبه موتی خانم اصیل کلان هشتصد و پنجاه روپیه بابت قیمت پارچه سالگرام بزاز
آورده بمحبوب خواجه سرا حواله نمود خواجه سرا مسطور بر بهره دیوڑهی داشت و دیده حسین
و گدا حسین حکیمان با سطام مردانه همراه زمرد دربان در محل دختر ملکه زمانی رفته
نبض دختر و پسر دختر ملکه زمانی دیده ظاهر کردند که بعارضه تپ و سرفه تخفیف رو داد
و نسخه نوشتند زبانی در کا هرکاره خبر دیوڑهی مخدره علیا صاحبه امروز امیری خانم معلانی
و صاحب خان پیشخدمت در محل مخدره علیا از خانه خود ها آمدند و برقی خانم محلدار

بانظام مردانه همراه غلام محمد درباری و فرحت خواجه سرا اندرون محل رفته نبض

صاحبه ممدوحه و خواهرزاده کیوان جاه دیده بیرون آمده ظاهر کردند که طبیعت بحال است

و موتی خانم اصیل کلان پنجاه روپیه که از محل آورده بود همین مرثیه خوان حواله نمود و گفت

که برای مجلس معمولی روز پنجشنبه در کربلای آفرین علیخان متوفی عنایت شده است و یکهزار و دو صد

و نود روپیه که بر پیره داشته بود حسب تفصیل ذیل منقسم کردیده و مدد اهتمام راه نجار و سکه

موقوف شد و عالم و غیره دوازده معمار و مزدور نوکر صاحبه ممدوحه که بنا بر مرمت شکست و ریخت مکان

همراه غلام محمد درباری بانظام مردانه رفته بودند بیرون آمدند و دائم و غیره روشن چوکی نوازان

نوبت و روشن چوکی نوازنده شانزده روپیه انعام یافتند و بیست و چهار تهان کارچه ازان

همونها براز معرفت کاشی رام جامه دار خرید شده همت اصیل مسطوره اندرون محل رسید

و محبوب خواجه سرا نود و هشت تولکه کرن نقره و طلا دست گلگی اصیل نزد همشیره کیوان جاه

فرستاده و لوکس جبراسی پنجاه روپیه بابت تنخواه موتی خانم اصیل خرد بخانه او رسانید فقط

ناقوس خواجه سرا و وصف خواجه سرا [illegible] — نورور خواجه سرا [illegible] — محبوب درباری [illegible] — غلام محمد درباری [illegible] — سلطان خواجه سرا [illegible] — قاسم داد او [illegible] — محبوب خواجه سرا [illegible]

زنان کور دیال کارچه — بلبل خواجه سرا [illegible] — بسنت خواجه سرا [illegible] — عنبر خواجه سرا [illegible] — محرم خواجه سرا [illegible] — خوش نظر خواجه سرا [illegible]

دیگر ستاره خانم و غیره چهار مغلانی از محل ملکه زمانی بخانه رفتند و بودنی [illegible] کر

دو صد روپیه برای ساخت یک طوق و زنجیر طلا از دست خیران اصیل یافت و صاحب رای گیری

بیرون آمدند و کاظمه خانم مرثیه خوان قصد سر رو بر پرده پوشی از امام بخش
چراغ گرفت و کالاییت اکثر از اسباب مفصله ذیل بغنیمت یکهزار و صد و شصت
و پنج روپیه فروخته رفت و یکها چپراسی ده تهان کهاروه از دوکان شیو پرشاد
بزاز آورده بسر شتر خواجه سرا سپرد خواجه سرا مذکور چهار تهان امیرن وغیره چهار زن
انگشس را حسب الحکم صاحبه ممدوحه امداد کرد و شش تهان در تحویل خود نهاد و امامی
داروغه باورچیخانه دو روپیه را جلابی خسته بدست محلدار سطوره اندرون محل فرستاد و فقط
تهان جامدانی ~~دوپته ولایتی~~ ~~تهان کامدانی~~ زبانی جهیدو کبیر سرکاره ها
یک صدعدد صدعدد
دیگر برسیخی خانم محلدار که دیروز بخانه رفته بود امروز در محل محذره علیا رسید زبانی جهیدا هرکاره
دیگر صادق علی و مرزا علی حکیمان نوکر و حکیم بنده حسین ملازم سرکار در دو باید اربع بنده احمد
پسر خود با نظام مردانه همراه شتر خواجه سرا اندرون محل محذره علیا صاحبه رفته نبض را
دیده ظاهر کردند که حرارت تب و ورم شکم را تخفیف نمود است و شتر خواجه سرا هزار روپیه
از محل آورده گفت که صاحبه ممدوحه فرموده اند که من مرادی خواسته بودم که بر دقت
صحت طبیعت حاجی منصور نوکر خود را که ساکن فیض آباد است سوی حج خواهم فرستاد
لهذا مبلغ مسطور نزد حاجی مذکور میفرستم لهذا استیل جماعه دار چپراسیان مبلغ مذکور
بحاجی مسطور رسانید و ورن بشیخ مت از محل بخانه رفت زبانی اکبرت هرکاره

وکاظمه خانم مرثیه خوان از محل نجابت خود با رفتند و حکیم حاذق علی نبض عاشور بی
پیشخدمت بربرده دیوهی دیده نسخه برفع عارضه تب نوشته داد و معلم با
کنیز بربرده دیوهی قصد سر رو از امام بخش فصاد گرفت و شیو برشاد بزاز
یکچه طلا بنجاه و دو تولهٔ ده تهان کلبدن مختلف الالوان خود را معرفت برقی خانم
محلدار اندرون محل فرستاد و بهوانی و غیره یازده مزدور و معمار همراه آفرین خواجه سرا
واگر و عنبر دربانان با نظام مرد آمد اندرون محل رفته مرمت شکست و ریخت مکان کرده بیرون آمدند
و بزاز مذکور چهارصد و هشتاد و دو روپیه بابت قیمت فروخت پارچه های لباس بافت و سه حکیم
انبه گهیلا شیودین باغبانان رسید و مدد بنگله چوبی بدستور جاریست و آبادی کنیز که
وقت شب از زینه بیفتاد در پای زانش ضرب رسید مشرف خواجه سرا ازو را در نام کمانگر را
طلبید آشنه بالش بربرده دیوهی نمود کمانگر مسطور روغن از نزد خود داد و دیگر دو آنه
برای خشت دوا برد و سیتارام متصدی بنغر بشادی دختر خود هفت جاندنی و یه شطرنجی
و دو مسند تکیه بعاریت برده بست و صاحبه محمد وصه نه روپیه برای درستی زنجیر نقره
و یک زنجیر طلا مشرف خواجه سرا داده گفت که این زنجیر را آسته نه قدر که درازست نصفش
کم کرده زود بیار زد خواجه سرا مذکور مونی زرگر را حواله نمود و حسینی و غیره ها آنکش
با نظام مردانه همراه آفرین خواجه سرا مذکور اندرون محل رفته حوض را از آب پر کرده بیرون

از خانه کالابت انگریز آورده دست ولایتی خانم محلدار اندرون محل فرستاد
و روشن و غیره چهار باغبان با نظام مردانه همراه نسیم و محرم خواجه سرایان اندرون
محل رفته درستی چمن بندی نموده بیرون آمدند و شیوبخش چپراسی چهار دانه چنگیر
انبه و امرود و غیره از مسجد باغ آورده بر دوریها رسانید و چتری و غیره بسبب تغیر
بیلدار و معمار که از طرف راجه بختاور سنگه مقرر اند حکم زبانی راجه درشن سنگه بهادر
غالب جنگ یافته شش درد و منزله موتی محل که سابق برحسب حکم محکم
تیغه شده بود امروز کشاده بیرون آمدند و موتی خانم خانه صاحبه ممدوحه بسواری
فینس مع عمده خانم کنیز خود بخانه رفته محمدی خانم مرثیه خوان را در محل فرستاد
و شرف النسا محلدار زن امیر علی برادر صاحبه ممدوحه آمده بعد یک پهر بخانه رفت
و مشرف خواجه سرا صد کبوتر گوله حسب فرموده صاحبه ممدوحه دست جهکا جوبدار
نزد امیر علی مذکور فرستاد و شیر خان آدم چهار سبد انبه فرستاده مومن علی
خالوی صاحبه ممدوحه بر دوریها آورده دست محلدار مسطوره اندرون محل رسانید
و میر نبی قرابتی صاحبه ممدوحه آمده یک اشرفی ضامنی امام ضامن از دست محلدار مسطوره
یافته زیب بازو ساخت و روانه خانه شد و صاحبه ممدوحه یازده روپیه بابت عرس
خانم صاحب مادر خود نزد مومن علی مذکور دست شیر خان نوکرش فرستاد و یک کنگری

دیگر بتولی خانم مغلانی و بنو خانم بنت مسعود بیت از خانه خود ها بسواری ڈولی در محل محذرۀ علیا صاحبه
آمدند و صاحبۀ ممدوحه یک تنگه آرته به رگھو کهاری امداد کرد زبانی جهیدا هرکاره
دیگر امروز عمده خانم چهتی نویس از محل بخانه خود رفت و سابق موتی زرگر اینجا آمده
برای ساختن گرگری و چنبر و غیره معرفت برفی خانم محلدار از محل یافته بود امروز
زرگر مذکور بوزن شصت و هشت روپیه ساخته نزد مشرف خواجه سرا آورد خواجه مسطور
وزن کنانیده دست محلدار مسطوره اندرون محل رسانید زبانی جهیدا هرکاره
دیگر امروز میرزا علی حکیم نوکر آمده از کریمن محلدار خیریت طبیعت محذرۀ علیا صاحبه
دریافته بخانه رفت و بتولی خانم مرثیه خوان و بنو بنت مسعود مست از محل بخانه رفتند
و امام بخش روته چهار روپیه را شیرینی برای مجلس معمولی از بازار آورده دست
کریمن کهاری در محل فرستاد زبانی جهیدا هرکاره خبر ڈیوڑهی تاج محل
عظیمن زن فراش بخانه خود رفت و ولایتی خانم محلدار دو گهڑی روز برآمده
بسواری ڈولی خانه خود رفته وقت شام باز آمد و شیودین نیوسی
صد روپیه بابت قیمت پان معرفت مشرف خواجه سرا یافته و آغا نسیمن که
برای درستی بخانه مکا زرگر رفته بود درست شده بدست زینت ماما بمحل رسید
و حسین بخش چوبدار هشت عدد بالی طلا مع شانزده دانه دُر از خانه

بابت تنخواه یازده ماهه روشن چوکی نوازان و نقارچیان و مشعلچیان و خاکروبان
و غیر آن شصت کس تقسیم کرده سی کس را برطرف کرد و دو سی سیلابخی
رسید و بیست و نه روپیه منجمله ششصد روپیه باقیات خود یافت زبانی مرلی هرکاره
خبر دیوره‌هی رقیه سلطان بیگم صاحبه امروز محمدی خانم پنجشنبه از خانه خود بمحل آمد
و علیم النساء مغلانی از محل بخانه رفت و نظر علی حکیم با نظام مردانه همراه اقبال دربار
در محل رفته نبض صاحبه ممدوحه دیده بیرون آمده ظاهر کرد که حرارت خفیف پیدا است و بحکم
میر دوهه یکروپیه را انبه ها خریده دست عمده خانم محلدار اندرون محل فرستاد و کاشی
صبا در روز هفته هفت طیر بطریق صدقه آورده پرواز داد یکروپیه انعام یافت
و نوازرونه دو روپیه و هشت آنه را حاضری خرید اندرون محل دست عمده خانم محلدار
فرستاد و میر باشاخ کش آمده دو صد شاخ خالی در کف باوساق کشید
یکروپیه یافت و محلدار سطور ... روپیه برای خریدن دوا از محل آورده به غلام حسین
دوا ساز حواله نمودند و ابن مهاجن تقاضا دو پنجروپیه را اطلس برنگ مخلوف خرید
زبانی موتی هرکاره دیگر دردانه خانم و غیره دو مغلانی از خانه خود بمحل آمدند و مدد
بنگله چوبی از امروز باز جاری شد و صاحبه ممدوحه چهارده روپیه را شیرینی دست نوازرونه
طلبداشت زبانی موتی هرکاره دیگر عمده خانم محلدار یکروپیه از محل رقیه سلطان بیگم

از مکان نجیب خواجه سرای شوقی طلب داشت بر نیامد لهذا محرم خواجه سرا کورپرشاد
متصدی را برای جایزه فرستاد و بُلاقن زن خاکروب معرفت خواجه سرا مسطور
نوکر شد زبانی مرلی و دهن سنگه هرکاره ها دیگر امروز تاج محل صاحبه بتجویز حکیم
بنده حسین ملازم تبرید نوشید بعارضه تپ و درد شکم تخفیف است لیکن دو بار دست
به پیچش اجابت شد و امامی خانم مغلانی مع دختر خود و مصاحب خانم مرثیه خوان
از خانه خود بمحل آمدند و مادر زن امیر علی برادر محل ممدوحه از محل بخانه رفت
و مستر خواجه سرا ده سیر حلیم و ده سیر شیر برنج بابت ستم ماه محرم نجیب ساخته
دست ولایتی خانم محلدار در محل فرستاد و محرم خواجه سرا بابت تنخواه ششماهه
دو قبض مهری محل ممدوحه بمستر خواجه سرا رسید زبانی دهن سنگه هرکاره
دیگر امروز زینت محل از خانه خود بمحل تاج محل صاحبه آمد و مداری وغیره دو باغبان
ده چکیره وغیره از مسجد باغ واقع انزدی دریا در وشن وغیره دو باغبان از مکان
نجیب خواجه سرای شوقی شش چکیره بر دیوارهی زده بند زبانی مرلی هرکاره
دیگر امروز زن امیر علی برادر تاج محل صاحبه مع شرف النسا محلدار و امیرن وغیره
دو زن فراش از محل بخانه خود ها رفتند و امامی خانم مغلانی و ظهورن زن فراش
و زن بشیر جمله از خانه خود ها بمحل آمدند و مستر خواجه سرا چهار هزار روپیه بابت

۸

طوایف نیست در خانه شخصی افتاده است برای دیدن من آمده است نه برای محو اکردن
و ولی محمد داروغه باورچیخانه ده هزار روپیه بابت تنخواه یکماهه بیگم موصوفه از صاحبان
بهادر آورده دست هیکیا وغیره کهاریان اندرون محل رسانید و محبوبن کنیز که بعارضه
بار یک بیمار است حالت نزع دارد و دستها جاری است زن بهولا نامی که فرقه غریبان
در صحن جلوخانه رقاصی میکرد زمست خان پیاده نوکر بیگم موصوفه بهولا مذکور را طلبداشته
گفت که تو در صحن جلوخانه چرا رقاصی مینمای جواب داد که چهار فلس پیدا کرده
بسر بر داو خان میکنم حالا که تو مانع می آی نخواهم آمد این بگفت و راهی شد پیاده مذکور
یکدست چوب بر سرش زد که شق شد و دو چوب بر هر دو شانه خورد که آماس گردید
و یک بر دست چپش که ورم نمود است بهولا مسطور داد بیداد کرده بر پهانه
جلوخانه رسیده بیهوش افتاده است و داروغه باورچیخانه مذکور از گفت بیگم موصوفه
بجمیع نوکران محلکار این مضمون که اگر کسی با کسی جنگ و پیکار خواهد کرد از نوکری
برطرف خواهد شد لوش بنده گرفت و دو بنچه بیوان تکلی نعمت صدر روپیه دوم نعمت
هشتاد روپیه و ده روپیه را سنگ از بود هن بنچه بند معرفت مسکن خواجه سرا
خریدند و یکپیره باباث چوکی نفره معرفت داروغه باورچیخانه مذکور ساخته شد
وامروز تمام روز سوارها مهیا و مردم از نوکران بیگم موصوفه مستعد ماندند لیکن

آورده بنظر علی فقیر خیرات داد و اصغر علی داروغه که بیمار است برای دیدن او خود
از دیوڑهی بخانه رفت و گوهر دربانی بیمار شده از چند روز بخانه رفته بود امروز از
خانه بر دیوڑهی آمد دیگر امروز کریما زن فراش از خانه محل زینت سلطان بیگم صاحبه آمد
و اصغر علی داروغه یکروپیه را قفلی قبماق منجمد برف خریده دست عمده خانم محلدار
در محل فرستاد و نواز روزانه سه روپیه را دانه و چاره طایران و غیران خریده آورده
بمحل رسانید و کاشی صیاد هفت طیر آورده پرواز داد یکروپیه بابت زبانی موتی
دیگر امروز نظر علی حکیم نبض جیناکنیز بر پرده دیوڑهی دیده نسخه عارضه ورم گلو
و شکم نوشت و سیده جو زن فقیر بر دیوڑهی آمده داعی خیر گشت جرا تن
زن سقا یکروپیه از محل آورده باد خیرات نمود زبانی موتی هرکاره
زبانی لال سنگه هرکاره خبر دیوڑهی مهد علیا نواب مبارک محل عزت النسا بیگم امروز میدو و غیره یازده معمار
و مزدور و بیلدار با نظام مردانه همراه حسین بخش دربانی اندرون محل رفته
مرمت سقفها و زینه باره دری نموده بیرون آمدند و اپیهی طوائف نوجی صاحب
طوائف ساکنه گوله گنج پاس روز بر آمده از خانه خود اندرون محل رسید بمظهر زبانی
جبدری خانم محلدار گفته فرستادم که طوائف مسطوره را در محل در آمدن حکم است
محلدار مسطوره اندرون محل رفته از بیگم موصوفه جواب آورد که این طوائف

تنخواه یکماهه ذخیره بیگم موصوفه از صاحبکلان بهادر آورده بدست خوشحالیا وغیره
کهاریان بمعیت بڑی خانم محلدار در محل فرستاد زبانی لال سنگه هرکاره
خبر دیوڑهی فرسرا از محل محل مسطوره یک جوڑی جوڑی طلا معرفت کلاب رای
متصدی نزد منو صراف گرو داشته چهبه هیرا وغیره مزدوران که قریب پنجاه کس بودند
تقسیم کرده نانک چند گماشته ساه بهاری لال یکهزار و هشتصد و هفتاد دو روپیه
بابت تنخواه یکماهه محل موصوفه از صاحبکلان بهادر آورده نزد خود داشت و اسباب
از قسم زیور مرصع بجواهر قیمتی چهل هزار روپیه عوض پنجهزار روپیه معرفت سلطان
پدر محل موصوفه نزد سوبها رام مهاجن گرو بود و مهاجن مذکور روپوش امروز
مبلاش بسیار بهم رسیده بر دیوڑهی طلب شده گرفتار شد بطلب اسباب مهونه
انکار آورد زبانی بهولاس هرکاره دیگر تولا وغیره پنج کهار با خط مردانه همراه
حسین بخش درباری در محل رفته و سامان را کشیده بعد چهار گهڑی باز آمدند
خبر دیوڑهی ممتاز محل که در محل مریم مکانی جناب بیگم صاحبه متمکن است امروز گیولرا
متصدی یکهزار و یکصد روپیه بابت تنخواه یکماهه از صاحبکلان بهادر آورده بدست رحیما
اصیل اندرون محل فرستاد بعد دو گهڑی اصیل مسطوره روپیه های مزبور را از محل
آورده بمحرم خواجه سرا رسانید و عرصه یک سال و دو ماه میگذرد که ممتاز محل موصوفه

چهار گهری روز مانده برخاست کرده رفتند وولی محمد داروغه باورچیخانه و بخش علی
داماد پوتی خانم مغلانی وحکیم بنده رضا وغیره پانزده کس مع مردم دیوڑهی وغیران
نصف اللیل گذشته جنازه والده بیگم موصوفه زیر پل پخته برده وغسل داده وصلوة جنازه
جنازه رانهاده ند احمد حسین پسر مولوی دلدار علی متوفی تکبیر خوانده جنازه را برداشته
در باغ مرزا جنگو متوفی که واقع متصل چوکی جهب ناتهه است صبحدم بردند درین اثنا
زینت محل بیگم موصوفه شور وغوغا برپا کرد که درینجا صحرا تدفینش بیجا بل نامناسب
ونارواست من نزد بیگم موصوفه میروم این بگفت ونزد بیگم موصوفه رسید بیگم موصوفه گفتند
که در امام باره آغا ابو طالب دفن کنانیده شود رام سنگه چپراسی جنازه را برداشته
در امام باڑه مسطور پاس روز مانده دفن گردانید وداروغه مزبور دو هزار روپیه بابت
خرج جنازه یافته بود منجمله آن سی روپیه بامرادی ونهی هر روپیه نقد خرج نمود باقی
در تحویل داروغه مذکور است ونور ده خوان حاضری فرستاده حسین علی پسر جعفر علی نان
رسید دیگر امروز غلام علی چوبدار فرستاده شرف علی داروغه عدالت بر دیوڑهی مهدی علی امام
ستاره خانم مرتبه خوان را مع مریم خانم دخترش بسواری میانه وامام بخش وغیره دو
چوبدار وجیون وغیره چهار سپاهی وبرشاد وغیره چهار چپراسی نوکر بیگم موصوفه همراه
در عدالت برده بعد چهار گهری رسید وگنگا رام کشمیری ده هزار روپیه بابت تنخواه

نمروز بازگشت وصبحدم هیکو طوایف نوچی پیربخش طوایف ساکنه جینیا باغ بجهت
حصول سعادت مجرای قبله عالم وعالمیان میرفت اشنا ورراه از ڈولی فرود آمده
نزد عباس مرزا نواسه صاحبزادی صاحبه آمد بعد یک گہری بر در دولت فلک رفعت
حاضر شده وقت معاودت باز نزد مرزا مذکور آمده پس چہار گہڑی از خانه شد
زبانی بهولا هرکاره خبر دیوڑهی جینیا بیگم امروز ستالال کناری فروش آمده از کهوکا رنده
دیوڑهی یک گہڑی سخنها نموده رفت وبیگم مسطوره مع بنو خانم زوجه کمال الدین حیدر
متوفی در یک بہلیس سوار شده ویک منزل رتهه وچہار ڈولی کنیزکان راهمراه
گرفته در باغ خود واقع حیدر گنج نور فته چہار گہری روز مانده بخانه باز آمد واز چہار روز
بطلب نجو بیگم دختر بیگم مسطوره محبوب خواجه سرا وکریمن مهری درام سکه چراسی
در در دولت مع فنیس ها می آمدند بیگم مسطوره دختر خود را نفرستاد امروز دو مهری
آمده از بوڈهن داروغه سخنها ماندند بعده اندرون محل رفته با بیگم مسطوره همسخن گردید
وگفته رفت که فردا هرچه خواهد شد بظهور خواهد رسید وبیگم مسطوره یک سنگی دو ڈلی
والایچی وغیره دست زینت اصیل برای بهوانی خواص فرستاد وبیگم مسطوره یکهزار روپیه
بنا لال مهاجن ساکن چکله مهاجنان معرفت علی بخش ونه بابت قرض ادا نمود
زبانی خوشحال هرکاره خبر دیوڑهی زر دمحل نواب آصف الدوله مرحوم دردانه خانم

درصحن شیشه محل بسبب محله دو صفت دیوار غرب و شمال رو به کشیده بود و اکثری
دیوار از عرصه ده روز چاهی ساخته امروز در دیوار غرب رو به دروازه فوقانی قایم نمود
و مرزای خانم کنار بی بی لوگر
زبانی شیودین هرکاره دیگر امروز از محل ممتاز محل منجهلی خانم معلالی بجانه رفتند
شده
وعمده کهاری ظاهر کرد که چهار روز میگذرد که تنور در محل رسیده بود امروز گرم
نان خمیر در آن پخت شد و مدار بخش وغیره دو باغبان با نظام مرد آن همراه کریم بخش درباری
در محل رفته اروی را درچمنی کشتند و محل موصوفه باد پر را پرواز داد و زبانی
بهوش اصیل بدین محمد حقه بردار خود که کاغذ باد را پرواز داده بود دو بار کعبه فرستاد
که کاغذ باد خود را در باد پرمن درپیچ حقه بردار همان کرد باد پر بر باد پرید فقط
زبانی شیودین هرکاره خبر دلور هی سلطان مریم بیگم محل حضرت خلد مکان
بیگم پاس روز بر آمده مطلوب درباری دلور هی مکم موصوفه میگفت که دی شب
بیگم موصوفه مسماة نجبن خواص خود را انقدر زد و کوب نمود ند که مسماة مسطوره
فوت کرد بعده لاشش را در چاه اندرون مکان سکون خود انداختند برای
اظهار اینحال مع کور بخش حوالدار پلٹن شو تا سکه کمیدان متعینه دلور هی موصوفه
نزد ظفر الدوله بهادر میروم زبانی گنگا هرکاره خبر دیو رهی صاحبزادی صاحبه کلان
حسینی پرورده صاحبزادی صاحبه کلان پاس روز بر آمده آمده وقت نیمروز

را برای نواخت مجیره ها طلب کرد او نیامد امروز به بعض دیروزه درباریان مذکور
مع آدم خود خاکروب مسطور را القدر تازیانه ها و لت ها زد که در تمام بدنش
ضرب رسید همان وقت حسین بخش درباری از ډیوڑهی مهد علیا نواب مبارک محل
عزت النسا بیگم که بر ډیوڑهی سرفراز محل میرفت از آن راه گذر کرد رجب علی مذکور
از حسین بخش مسطور گفت که این خاکروب از من ناحق و بی واسطه در پی
جنگ و پیکار است حسین بخش مذکور نیز از دو آدم خود که همراه داشت اشارت کرد
و گفت که این ملعون را که حرامزاده است بزنید این خبر بوالده رکن الدوله مذکور رسید
که رجب علی و حسین بخش درباریان خاکروب مسطور را میزنند و او داد بیداد کنان قبله عالم
و عالمیان میزند کسی گوش نمی نهد بر شنیدن والده رکن الدوله مذکور از دروازه شور
و غوغا برپا کرد و خواست که بیرون براید لیکن بمنع بعضی باز ماند درین اثنا رکن الدوله
این ماجرا را شنیده برای رفع شر بر ډیوڑهی مسطور در رسید درباریان
راندید حال ضرب خاکروب دیده و هم شنیده همراه رمضان علی چوبدار نزد
فتح علی داروغه محلات فرستاد که رجب علی و حسین بخش درباریان خاکروب مسطور را
ناحق زده اند فتح علی مذکور جواب داد که من فردا روبکاری درباریان مذکور خواهم کرد
زبانی بهوانی هرکاره خبر ډیوڑهی درباری بحکم مرزا عباس وغیره چهار سیر کم مسطوره

اسامی محل مسطوره که از عرصه دراز بعارضه یارک بیمار بود امروز فوت نمود

فتحعلی داروغه محلات سی روپیه دست منور دربان برای تجهیز و تکفین فرستاد

دربان مذکور لاشش را در امام باره جهاو لال متوفی دفن کرده آمد زبانی کارگزار

خبر دیوڑهی محل نقشخانه آصف الدوله مرحوم امروز الهی خانم کنیز بسبب عروض عوارض

مُرد منور دربان ملازم سرکار دولت پایدار فرستاده فتح علی داروغه محلات آمده بود

برای تجهیز و تکفینش رسید زبانی دهو هرکاره خبردیوڑهی دیدار بخش عرف ...

امروز دیدار بخش مسطوره را تب و لرزه آمده است خبر دیوڑهی دختر منجهلی بیگم متوفاه

دو ماه است که تعلیم امیرن وغیره سه گاین بسبب ظهور چیچک بطهور نیامده بود امروز دختر

بیگم مسطوره امان علی نامی استاد را از حسین بخش چوبدار طلبیده آغاز تعلیم ساخت

و محمد مهدی پسر دختر بیگم مسطوره که دیروز بخانه جعفر علی برادر دختر مسطوره رفته بود

امروز بخانه باز آمد لهذا جعفر علی مذکور دو خوان انبه و دو خوان شیرینی و یک خوان

ڈلی و الاچی وغیره همراه محمد مهدی مذکور کرده داد زبانی منا هرکاره خبر دیوڑهی

والده مخدره علیا صاحبه عمده نامی کنیز والده صاحبه ممدوحه دختری از نطفه امروز

امیر مرزا برادر صاحبه ممدوحه زائیده است زبانی کشن هرکاره خبر دیوڑهی

... الدوله دیروز رجب علی درباری دیوڑهی مذکور عیدا خاکروب نوکر را

راه همراه خود از محل بیرون آورد ما ناظران پرسیدیم که نام این چیست و این
کدام است و از کجا آمده است و در اینجا چگونه رسیده است مرزای مذکور گفت
که شما را ازین کیفیت چه سروکار خواه نو خریده ام خواه خریده قدیم من است
اگر شما را افسوس باید خبر مرکوز باشد بنو[illegible] شد زبانی لوچن و سایر هرکاره ها
خبر [illegible] والده [illegible] نواب مبارک محل [illegible] دیروز شبو سنگه
نامی ساکن کانپور یک ماده فیل نر از آن طرف آورده برد [illegible]
والده حکم موصوفه بسته زنجیر کرده است ولی محمد داروغه با او چنانچه حکم موصوفه گفت
که بایع آن یکهزار و دوصد روپیه قیمت مطلبد اگر بکفایت تمام خواهد فروخت خرید خواهد شد
دیگر نه خواهد برد زبانی لال سنگه هرکاره خبر [illegible] مبارک محل [illegible]
نواب [illegible] والده مرحوم [illegible] امروز امانی کنیز محل مسطوره بعارضه تپ و اسهال
قضا نمود فتحعلی داروغه محلات [illegible] به دست منور دربان نزد کریمن
خواص نواب مرحوم فرستاد در صحن امام باره جهاو لال متوفی متصل تکیه میر محمد به
معیت میر حسین دفن کرد زبانی درگاه هرکاره خبر [illegible] الدوله
مانک چند متصدی و سکندر علی کارنده و جیدی لال متصدی ظفر الدوله بهادر
فرستاده فتحعلی داروغه محلات آمده نه هزار و چهار صد روپیه و چهار آنه بابت

درحم علی وغیره چهار کس دیگر بالاتفاق خود ها چوسر و گولی و تکی موتیه هاے
بطور قمار میبازند زبانی لوچن هرکاره خبر دیوریهی زینب خانم دختر سالار جنگ مرحوم
سالارو نامی محله داری ظاهر میکرد که در محل خانم مسطوره مبارک قدم نامی یک کنیز
بیست ساله از سه روز آمده است هرچند مسطوره میپرسم ظاهر نمیکنید که ظهورش از کجاست
زبانی سیلرام هرکاره خبر دیوریهی از محل فیض آباد نواب شجاع الدوله مرحوم امروز
مغلانی بیگم دختر مرزا هابر متوفی پسر نواب شجاع الدوله مرحوم دو دختر
یکی حیدری نامی دوازده ساله و دوم شبراتن نامی ده ساله مرزا رستم علی
ساکن فیض آباد را و فرزندی داده است زبانی هرسهای هرکاره خبر دیوریهی
[illegible] حسین علیخان [illegible] امروز شگوفه نامی کنیز زوجه خان مذکور وقت دوپهر
شگوفه کرده بمرد زوجه خان مسطور برضانی نوکر خود بست روپیه داده گفت
که بمصرف تجهیز و تکفینش دراورده بچمنیا باغ دفن کنن زبانی کلیان هرکاره
خبر دیوریهی نیارسی محل [illegible] امروز احمد علی پسر نجف علی نبیره ظفرالدوله بهادر
نزد فاطمه بیگم اسامی حضرت خلد مکان آمده بعد دو گهری بخانه باز رفت
زبانی لوچن هرکاره خبر دیوریهی کمانی خانم پرورده [illegible] محل [illegible] مرحوم
امروز مرزائی نامی شوهر خانم مسطوره یکی خواجه سرای سیزده ساله پسر یک را

محسن الدوله پسر دو ماهه محسن الدوله مذکور را بسبب حدت گرما
پنج دست اجابت گردید تشخیص حکیم زاهد علی استعمال دوا الجمل آمد وفلان
دایه زقه داد وزوجه محسن الدوله مع پسر خود در مکان امام باره که محوی مکان
زبانی امام بخش هرکاره
تمکن است منتقل گردید و محسن الدوله مذکور کاغذ بادبا دوا داد خبر دیوڑهی ناصر الدوله
امروز ناصر الدوله پاسی از روز مانده بسواری فیل باده درباغ خود واقع حسین گنج
رفته وقت شام بخانه خود آمد زبانی رکنا هرکاره خبر دیوڑهی صادق علیخان مستوفی
امروز وقت دو گهری شب گذشته بخانه اکبر قلی چیله صادق علیخان مذکور که با
کنیزی معقود است دختری پیدا شد زبانی لچهمن هرکاره خبر دیوڑهی صادق علی خان مستوفی
امروز حرم متوفی مذکور را حرارت پدیدار گشت حسین علی حکیم با نظام مردانه همراه
بست درباری اندرون رفته نبض دیده نسخه نوشت و حرم مسطوره تشخیص حکیم مسطور
تبرید نوشید زبانی کلیان هرکاره خبر دیوڑهی وزیر الممالک نواب صاحب بهادر
امروز بست و پنجم ربیع الاول ۱۲۰۵ هجری سرفراز محل وزیر الممالک نواب صاحب بهادر
رخت رحلت بربست یکپهر پاس روز مانده اراکین سلطنت پیاده پا همراه
تابوت تا کربلای بنای الماس علیخان متوفی رفتند و قریب شام دفن نموده
واحد
پاسی از شب گذشته باز آمدند و از وزیر الممالک نواب صاحب بهادر هر فرد

تنخواه هشت ماهه زیبا و نازنین وغیره اسامیان تقسیم کرده رفتند زبانی کالکا پرشاد

موضع بموضع واقعات شاهزادگان وصاحبزادگان وامیران ووزیران وغیره

خبر فریدون بخت که بازخطاب شاه پرورده مریم مکانی سرفراز شده فریدون بخت

دو گهڑی روز برآمده کلاه وانگرکهٔ جامدانی وپاجامه گلبدن رنگ گلنار پوشیده

از طرف دیوڑهی خواص پوره بیرون آمده پیاده پا در باغ رفتند وتا چهار گهڑی

قرار گرفتند بعد پاس روز پیاده پا بمحل رسیدند و پاس روز مانده با همان لباس

از طرف دیوڑهی مسطور باز آمده پا پیاده در باغ رفتند ویک درخت انبه

از قسم عام بیچ پیش دروازه چهوٹی باغ نشانیدند وقریب شام پا پیاده بمحل آمدند

زبانی بهولا هرکاره خبر کیوان جاه پسر ملکه زمانی کیوان جاه را درد گوش از سه روز

بشدت بود امروز تخفیف رونموده روپیه رکابی به نیلم خواجه سرا داده گفت

که بلاری چراغ بدهد ومحمد حسین نوکر بسبب تولد پسر خود پنجروپیه نذر داد

وبیرون آمده با محبوب خواجه سرا وفتح علی برادر وارث علی که آمده بود سخنها

نموده در محل رسید فقط زبانی گوردیال هرکاره خبر دیوڑهی نصیر الدوله امروز چهار

گهڑی روز مانده نصیر الدوله مع امجد علی پسر خود و ابو الحسن خویش خویش

حسب الحکم مبرم در کربلای حسینی رفت زبانی مهن لال هرکاره خبر دیوڑهی محسن الدوله

دیوڑهی ظفر الدوله بهادر دلیشب کنیز کی عظیمن دوم ملاکبر سوم جواهر از سقف
خانه بهادر مذکور بسیی طرف دریا انداخته و فرود آمده بگریختند و الله یعلم که کجا رفتند
زبانی محمد علی هرکاره خبر دیوڑهی مبارز علی پسر ظفر الدوله بهادر امروز دو ساعت از
روز مانده مبارز علی و ناظم علی و نجف علی پسران ظفر الدوله بهادر بموجب گفت بهادر مسطور
در کربلای حسینی رفتند زبانی حاجی هرکاره خبر دیوڑهی نجف علی پسر ظفر الدوله بهادر
دیروز طفلی ده ساله راه گم کرده اندرون دیوڑهی ظفر الدوله بهادر در رسید
نجف علی پسر بهادر مذکور دیده خواست که آن طفل را بپرورد بهادر مذکور گفت
که ای عزیز پرورش ادب مناسب و بجا الا آه و ناله والدینش تا بکجا این بگفت
و طفل مسطور را طلبداشته پرسیدش که چه نام داری گاهی گفت گلیا گاهی گفت رنگوا
گاهی گفت کلوا قومش استفسار کرد گفت موچی وقتی که گفته شد خانه تو کجا
گفتا که متصل باغ دبیکه پرسیده شد کدام باغ گفت شنو بهادر مذکور دید که گفتگوی این
پوچ و باد در هواست ازین گفتگو شنو بازمانده نزد علی رضا بیک کوتوال در چبوتره کلان
فرستاده گفته فرستاد که تجسس والدین کما حقه بوارثانش سپارد کوتوال مذکور گفت که بهتر
زبانی محمد علی هرکاره خبر دیوڑهی مظفر علی خان امروز خانه مذکور چهار گهری از روز برآمده
بسواری بهنس بر مکان مرزا منجهو سمدهی خود رفته از آنجا بعد دو پاس بر مکان

رخصت شده راه خانه خود گرفت و نواب صاحب بهادر را القدر غم و الم بوده
که بیان رودادش رو نمیدهد زبانی گردهاری هرکاره خبر دیوڑهی جرنیل صاحب بهادر
امروز بهادر مذکور در درگاه حضرت عباس علیه السلام پنج اشرفی گذرانیده
بخانه آمد زبانی گردهاری هرکاره خبر دیوڑهی افتی را سرد نه مهاراجه میوه رام بهادر
امروز ساعت روز مانده مهاراجه مذکور در امام باڑه ابوطالب متوفی که متصل
شبیله پیر محمد واقع است رفته مجلس نموده پنجاه و یکصد روپیه را حاضری نموده ڈلی‌ها و الایچی
تقسیم کرد و چهار ساعت از شب گذشته در مکان خود باز آمد و برحسب حکم محکم
بر رسم مجلس بستم نواب مرحومه در کربلای حسینی رفت زبانی بسنی هرکاره
خبر دیوڑهی راجه بابل کرشن راجه مذکور بر رسم بستم در کربلای حسینی رفت و از
دیروز که بخار بنجار تب تبان بود امروز تفاوت کل کرد و تشخیص بیکواند اس حکیم
شربت نوشید و بهوگ پلی پروهت را کراس کاود دو روپیه دان کرد و پنجاه برهمن را
جنس از میده و شکر و روغن و غیران سراسم تقسیم نمود زبانی بسنی هرکاره
خبر دیوڑهی فخر الدوله دبیر الملک راجه رتن سنگه بهادر راجه مذکور قطعه کاغذ
دستخط شده بدست چپراسی همراهی ظفر الدوله بهادر نزد راجه بختاور سنگه فرستاد
چپراسی مذکور رسید کاغذ مسطور گذرانیده آورد زبانی رامدین هرکاره خبر دیوڑهی

لنگ گهوبیک چاکر خود که بدن خود را می‌شست برکشید که لنگهوبیک برهنه
گردید میانجیان سپاهی مرزا علی مذکور جامه برای پوشیدنش داد و همین
محمد شفیع غضبناک شده گفت که تو از گفته کدام کس جامه را باو دادی
سپاهی خاموش ماند محمد شفیع او را دو گهری رو بروی خود نشانیده وا گذاشت
زبانی بده سنگه هرکاره خبر دیوره‌ی مرزا نصیر امروز علی مرزا نواسه مرزا مذکور
از شهر باز داشته شد لهذا آغا مذکور امشب رتجگا کرده است زبانی شیر علی هرکاره
خبر دیوره‌ی [illegible] علی [illegible] نام [illegible] امروز غیاث علی از بیت خانه خود
آمده مع پدر و مادر و همشیره خود چهار گهری از روز برآمده در باغ خود
که متصل حسین گنج واقع است رفت وقت شام باز آمد زبانی رگناته هرکاره
خبر دیوره‌ی آغا میر مستوفی امروز کرامت علی وکیل آغا علی پسر آغا میر مستوفی
در پایین باغ مکان مستوفی مذکور بنای دکاکین بمقدار بیست و دو درجه انداخته
است زبانی رام دین هرکاره خبر دیوره‌ی مرزا نصیر دیشب صاحب مرزا
نبیره مرزا مذکور بسواری اسپ بر مکان امامن طوایف که ساکنه سوت منشی است
بسبب رسم مسی او رفته بخانه خود پاسی از روز برآمده باز آمد و مرزا نصیر مذکور
بسواری گهرکهر سه بخانه غلام نبی داروغه کوهی صاحبکلان بهادر رفته یک [illegible]

مرزا تقی هوس رفته بعد چهار پهری بخبر خانه خود باز آمد و مبارک قدم کنیزش

که بعارضه تب و سرسام گرفتار بود امروز قضا نمود سبحانعلی داروغه بموجب تنبیه او

تجهیز و تکفینش کرد زبانی کندن هرکاره خبر ذیوره‌ی وارث علی و فتح علی

فتح علی با نجم النسا همشیره زین العابدین ساکن سرای معالی ازچندی

رابطه آشنای در میان دارد گاهی خود بر مکانش میرود و گاهی او بر مکان فتح علی

می آید ازین جهت زوجه فتح علی امروز نالان شده خواست که زهر خورد کنیزی

ازین جرأت باز داشت بر بعضی وارث علی و قاسم خان داروغه مطلع شده

آمدند و فهمانیدند از گفتن تأمل کرد الا میگفت که اگر قبله عالم و عالمیان در محل

ملکه زمانی صاحبه تشریف ارزانی خواهند فرمود از زمان عرض این حال خواهم کرد

و فتح علی هرگز او را نمیگذارد الغرض این آفت و فساد هر روز بر روی روز می آید

ملکه بر تمام مردم بازاری اظهر من الشمس است زبانی شیودین هرکاره خبر ذیوره‌ی

مرزا ابو القاسم پسر مرزا ابو طالب خان معتوه خفیه امروز بخانه ابو القاسم

پسری پیدا شد جیو دایه آمده قطع رشته ناف کرده رفت زبانی مهین لال هرکاره

خبر ذیوره‌ی مرزا علی داروغه متعلق مریم مکانی جناب بیگم صاحبه از دو روز

مرزا علی مذکور را حرارت پدید است و محمد شفیع پسر میر حسین نجفی تنک

زبانی سیل رام هرکاره خبر دیوره‌ی مرزا تقی هوس امروز مرزا مذکور را حدت
دست شدت درد سر نمود است لهذا تشخیص حکیم محمد میر تبر مذکور شد زبانی لچهمن هرکاره
خبر دیوره‌ی حسن علیخان پسر جعفر علیخان امروز حسین علیخان در محل مهد علیا نواب
مبارک محل عزت است بحکم مکرم پاس روز برآمده رفته پاس روز مانده باز آمده
در مکان سکهاره تعلیم کردید زبانی کالکا هرکاره خبر دیوره‌ی علی بهادر پسر مرزا محمد
متوفی نبیره وارث علیخان متوفی سلارو نامی زن محله دار که نوکر علی بهادر
است ظاهر میکند که زنش معرفت مراد علی نوکر خود دو کنیز را طلبیده بعیت داشته بود
شش روز میگذرد که نوکر مذکور دو کنیز فرقه غربان را که هر یک بعمر سی سال اند
بخانه شان آورده است زبانی سیل رام هرکاره خبر دیوره‌ی سلطان علیخان پسر
سالار جنگ متوفی امروز مشرف علیخان داروغه عدالتین نزد خان مذکور آمده
تا چهار گهری سخنها نموده بخانه رفت زبانی سیل رام هرکاره خبر دیوره‌ی
حیدر حسین خان امروز حیدر حسین خان مع حسین علیخان برادر و محمد تقی
پسر خود حسب الحکم محکم در کربلای حسینی رفته است زبانی چهوٹی هرکاره
خبر دیوره‌ی نور علیخان غالب علی چوبدار ملازم سرکار دولت پایدار حکم زبانی
راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ نزد فرخ مرزا پسر خان مذکور آورده گذاشتن

و یک شیشه عطر گرفته بخانه باز آمد زبانی مناهرکاره خبر دیوڑهی کاظم علیخان
سعد الله چوبدار ملازم سرکار دولت پایدار همراهی بیر دهه شهر از حکم
زبانی راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ بخانمذکور رسید که خیمه خود را
در دلک نصب کند و خود مقیم شود لهذا خانمذکور خیمه خود را برادرد دربین اثنا
باران باریدن گرفت خانمسطور گفت که فردا خواهم رفت زبانی گنگا هرکاره
خبر دیوڑهی سجاد عسکری پسر مرزا میدو منسوبی نبیره سا [illegible]
حسنی خان خاصبردار معه وزیرن نامی زنی فرستاده علی رضا کوتوال نزد سجاد عسکری
آمده گفت که عرصه یکسال میگذرد که او چهمن نامی کنیز را بقیمت یکصد و سی و دو ر
سکه بدست مرزا جان عرف وفا بیگ خان باقرار اینکه حامله است فروخته بود
چون مدت نه ماه و حمل بگذشت و طفلی پیدا نگشت لازم که زر قیمتش باز دهد
و کنیز خود را بگیرد و الا خود در محکمه چبوتره بیاید یا وکیل خود را بفرستد
سجاد عسکری جواب داد که بایع کنیز سمت بنارس رفته است خاصبردار مذکور گفت
که زر قیمتش بدست تو رسیده است از بایع چه سروکار برین معنی سجاد عسکری مذکور
گفت که حسنی خان نامی نوکر علی رضا کوتوال را نزد من بفرستی او از طرف من
سوال جواب خواهد کرد خاصبردار مذکور رخصت گرفته روانه شد زبانی

بردوسر فراز علی جرس را فرود آورند زبانی هراهرکاره خبر دیوریهی قادر علیخان

امروز خانمذکور بقصد حاضر شدن بر در دولت فلک رفعت بر فیل سوار شد

درین اثنا محمد شاه وغیره پنج مغل ساکنان کٹره سید حسنخان از عرصهٔ ماه

که پشمینه خود را بقیمت سیزده هزار روپیه فروخته بودند بطلب تقاضای زر خود

آمدند و ذکر مرادخان کارنده خانمذکور دست خود زده زر خود را طلب کردند

خانمذکور از دست خاص دارن خود چهار چهار و پنج پنج بم زده قیدت خشت وخود

بر در دولت حاضر شده بخانه آمد و دو گهری روز مانده محمد شاه مذکور را یک زوج

دوشاله رنگ سفید داده و هشت اشرفی بدیگران که همراه مغل مذکور بودند حواله نمود

وگفت که بستم اینماه روپیه های خود را باید برد زبانی هراهرکاره خبر دیوریهی

سلطان احمد مرزا پسر فتح علی شاه شاهزاده ایران امروز دو کنیزکی لچهمن

دوازده ساله دوم دهنیا هجده ساله فرستاده که مرزا رحم علی از طرف بانده

سلطان احمد در مکان مرزا مذکور رسیده اند زبانی جهدا هرکاره خبر دیوریهی مرزا سیف علی

متوسلی امروز حاجی صفدر علی فرستاده راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ

مع شش کهار و یک فینس آمده و زیر بیکم نواسی خانمذکور را مع ماما در ماه درشن

سوار کنانیده بر در دولت فلک رفعت برد زبانی رام کشن هرکاره خبر دیوریهی

دیگره ... کنیز را طلب کرد فرخ مرزا مذکور گفت که در محل نواب مرحومه رفته اند

چوبدار مذکور گفت که نمی گردد نشود بعد مرزا مسطور این سخن شنیده اندرون

مکان خود رفته زبانی زینت ماما گفته فرستاد که فردا جوابدهی کنیزکان بطور

خواهد رسید چوبدار مسطور بازگشت زبانی سوانی هرکاره خبر دیوره سی

عباس قلیخان خسر رکن الدوله امروز خان مذکور حسب حکم محکم در کربلای حسینی

رفته است زبانی منا هرکاره خبر دیوره ی مرزا ابو القاسم و مرزا ابوتراب پسران

مرزا ابوطالب خان متوفی امروز در باورچیخانه مرزا مذکور برین اجناس پخته نشد

و طعام پخت نکرد بدیل آتش در باورچیخانه نرسید خبر دیوره ی حسین علی پسر تقی علیخان

متوفی امروز حسین بخش چپراسی فرستاده صاحبکلان بهادر آمده گفت که او

راضینامه بحکم الناس زن خود داخل کند و یا حاضر آمده جوابدهی نماید چراکه از عرصه

شش سال نه تنخواه مقرری ادا داشته و نه بخبرگیری ما ناو نفقه او پرداخته حسین علی

شنیده خاموش ماند زبانی سیل رام هرکاره خبر دیوره ی فضل علی متوفی امروز کفن علی

چوبدار ملازم سرکار دولت بمدار حکم زبانی راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ یافته

شش نقاره و یک کرنای از دیوره ی مسطور طلب کرده برد و هم صادقعلی چوبدار

ملازم سرکار ابد مدار مع نقاره و یک کرنای از کربلای افزین علیخان متوفی برداشته برد

هرکاره خبر دیورهی جعفر علی پسر مظفر علیخان امروز ابوالقاسم عینک باز بموقف
جعفر علی پسر مظفر علیخان آمده ساعت قرار گرفته و سنمها نموده روانه خانه شد
زبانی کندن هرکاره خبر دیورهی علی اکبر خویش ظفر الدوله بهادر امروز زن ظفر الدوله بهادر
بسواری بهجکله سه دو ڈولی کنیزکان بخانه علی اکبر داما دخویش آمده قرار گرفت
و مبارز علی پسر بهادر مذکور آمده بعد پنج گهری روانه خانه شد زبانی پورن هرکاره
موقع بوقوع واقعات ارباب ارکین خبر دیورهی سیانعلی مظفر حسین پسر
خانمذکور نزد احسان حسین برادر خود که تحصیلدار مبواره و غیره ست از عرصه نه روز
رفته بود امروز بخانه باز آمده و شش ساعت از روز مانده مدح خان ششتر سوار همراه
فتح خان جامعه دار آمده بخانمذکور گفت که نزاندکان قبله عالم و عالمیان یاد فرموده اند
خانمذکور همراه ششتر سوار بسواری بنیس حاضر در دولت فلک رفعت شد و
احسان حسین و فدا حسین پسران خانمذکور وقت شام بخانه خود آمدند زبانی کنگا هرکاره
خبر دیورهی راجه کهاور سکه امروز راجه مذکور بیست هزار روپیه سکه گمن و
پنجهزار سکه جبن و ست بنی مل نوکر خود بتحویل کنکا خواص فرداد زبانی برامدن
و خوشحال هرکاره ها خبر دیورهی احمد علیخان بر در مهدی علیجان احمد علی صراسی
و رمضانی سپاهی احمد علیخان مذکور که برای دید آمد آب از کنک رفته بود

مرزا عباس پسر سالار جنگ متوفی امروز میر حشو مع محبوب خواجه سرا
آمده دختر مرزا اندکور را بسواری کهرکهره و چهار ڈولی دیگر همراه بردر دولت
فلک رفعت طلب کرده برد زبانی سیل رام هرکاره خبر دیوڑهی مرزا ابو تراب
مرزا اندکور را که عارضه تب و سردرد و درد شکم لاحق بود امروز بصحت رو نمود
زبانی مهین لال هرکاره خبر دیوڑهی نظیر علی امروز نظیر علی خواجه آغا میر متوفی
در درگاه حضرت عباس علیه السلام رفته ده روپیه گذرانید و از انجا بخانه
همشیره خود واقع کڈهی پیر خان رفته باز آمد زبانی گلاب هرکاره خبر دیوڑهی
صاحب مرزا نبیره مرزا نصیر مرحوم سه روز میگذرد که گورا نامی عورت لب بنجاره
قوم اگروالہ که از دو سال مسلمان گردیده بر دیوڑهی صاحب مرزا نبیره مرزا نصیر مرحوم
آمده نزد یک نیک محمد سپاهی کن رام پور نوکر مرزا اندکور قرار گرفت و گفت که
من از تو راضی ام سپاهی مسطور هم گفت دولت هر جا که خواهد برد زبانی منا هرکاره
خبر دیوڑهی مرزا اسید امروز بهادر میرزا پسر مرزا اسید و ظاهر کرد که سه صد
و پنجاه روپیه نقد و شش توله طلا که در صندوقچه مقفل بتحویل امداد علی نوکر داشته بود
ولد امداد علی مذکور در شب خانه خود رفت شخصی قفل بیرون دروازه کشاده
صندوقچه شکسته مبالغ معدوده مع طلای موزون دزدیده برد زبانی منا هرکاره

نشنیده رفت زبانی بهاری هرکاره خبر دیوره‌ی محترم خواجه سرا امروز خواجه سرا
مسطور در مجلس پنجشنبه نوچندی چهل روپیه را بطعام پخته مرثیه خوانان و گدایان
وغیر آن تقسیم کرده داد زبانی جواهر هرکاره خبر دیوره‌ی ابوالقاسم بیگ بار امروز
بیگ بار مسطور مع میر احمد پسر خود برای عیادت بخانه عبدالباقی خان رفته بعد
چهار گهری بخانه باز آمد زبانی مهکو هرکاره خبر زینت خواجه سرا که از نوکر خواجه سرا مسطور
شجاعت خان جراح را برای پنبه نهادن بردند از روی بغل چپ خواجه سرا مسطور
طلب کرده می آورد و حسین بخش دربان و نهری حوالدار شیر دروازه جراح مسطور را
متعرض شدند زبانی اودی بمقابله تلسی هرکاره خبر دیوره‌ی آغا مرزا که عرصه
سال میشود که خادم حسین نامی قرابتی فقیر محمد خان ساکن رستم نگر متصل مکان
اعظم بیگ در مکان خود قفل زده جائی رفته است امروز آغا مرزا کوکا قفل
مکانش شکسته خشتهای خام میکند زبانی مشری هرکاره خبر لال محمد چیله سرکار
عرصه ایست که رمضانی نوکر لال محمد چیله سرکار دولت پایدار زن خود را از سیماء
وزیرن خوشدامن خود بسا کنه خیالی گنج طلب میکرد خوشدامنش زن اورا
نمیفرستاد ازین جهت رمضانی مذکور وزیرن مسطوره را بر دیوره‌ی چیله مسطور
امروز گرفتار آورد زبانی چتا هرکاره خبر مکان گلشن خواجه سرای سرکار ساکن

امروز بعد از ششش پهر باز آمده ظاهر کرد که در آمد آب گنگ شامل واقع ست
زبانی کنکا هرکاره خبر دیوریهی حسین علیخان پسر تجمل حسین خان متوفی امروز
عطاءالله خان ساکن کاتیو ر در سه منزل حویلی ششش پاره محموله شیشه آلات و ظروف چینی
از قسم پلیت و چکیردان و تشتری و پیاله وغیره بجانه خانمه کو رفرستاده ست فقط
زبانی کنکا هرکاره خبر دیوریهی تحسین خواجه سرا لستی نامی نوکر آغا مرزا تحصیلدار
دهات کچهری ده عدد ترنج فرستاده مرزا مذکور آورده بخواجه سرا مسطور رسانید
خواجه سرا فرمود دو روپیه انعام کرد لستی مذکور راه گرفت و امروز چنچل پری نامی
فیل ماده از آن خواجه سرا مسطور بعارضه پیچش مرد خواجه سرا فرمود فیل ماده را اندرون
دروازه آهنی زیر درخت پاکر به خاک سپرد زبانی بیهولا هرکاره خبر دیوریهی حکیم و عبد علیخان
امروز دولی پسر خانمه کو رساکن تتیاس یک زنجیر فیل ماده بقیمت نه صد روپیه بدست
تحسین خواجه سرا فروخته ست زبانی کنکا بمقابله بیهولا هرکاره خبر دیوریهی واحد علیخان
عرف مرزا جوهر امروز خانمه کو روقت شام برحسب حکم اعلی واقدس در کربلای حسینی
رفته ست زبانی کلو هرکاره خبر دیوریهی سمنت خواجه سرا امروز بعد دو پهر فادر بخش
چوبدار ملازم سرکار دولت پاپیاده برادری میرده به شهر پاریز بجیت سکه حواله دار را
مع چهار تنکه بلبن همراهی راجه باده هو سکه سوای بر مکان خواجه سرا مسطور رسانیده

نجیب بیش عسکری که بر دروازه سفید مذکور مقرر است گفت که بهو سه برای
یک راس گاو و چهار راس نرگاو نیست اگر بگوئی در رمنه شده و نیز متعلقه فیض الله گنج
برای چرا روانه کرده شود و وقت شام باز آیند امانت خان مذکور گفت که
اظهار این حال از حضور صاحب بهادر کرده خواهد شد بموجب حکم عمل خواهد آمد
زبانی رام سنگه هرکاره موقع بوقوع واقعات رساله داران و کمیدانان نائره
خبر دیوڑهی نظر محمد خان امروز بعد چهارده روز خان مذکور بسواری بهینس مع
امام الدین خان خویش خود بسواری اسپ از خانه در مکان واقع گوله گنج آمده است
و پانزده سوار همراهش و اسباب ضروری هم همراه دارد و غلام حمزه قانونگو
و فضل حق و محکم و زور آور و جود هران علاقه بانگرمؤ آمده دو دو روپیه نذر داده
بعد یک ساعت در سرای آغا میر متوفی که فرودکش اند رفتند و اسمعیل علی چیله خان مذکور
ظاهر کرد که امروز طفلی از این شخصی بعمر شش سال لعب و بازی کنان راه گم کرده
تا مکان من رسید من او را بخانه خود داشتم خان مذکور طفلک مسطور را طلبداشته دید
و از نوکران خود گفت که هر که وارث این طفلک باید تحقیقات نموده بوارثانش
سپرید و خود هم در کوچه و برزن جستجویش نمایند زبانی جهوٹی هرکاره خبر دیوڑهی
مینڈو خان امروز خان مذکور صبح و شام بر دیوڑهی وزیر الممالک نواب صاحب بهادر در

خاص بازار محمد خان خاصبردار نوکر وزیر الممالک نواب صاحب بهادر از حکم زبانی
جعفر علی کارنده نواب صاحب بهادر بر مکان گلشن خواجه سرای واقع خاص بازار
آمده بال کهار را دیروز و شیو غلام کهار را امروز که اینهر دو نوکر صاحب خانم خواص اند
که معرفت درشن سنگه مقید ملازم سرکار عالی شده بودند طلب کرده بُرد
و منا و لالو و جهنگا وغیره چهار هرکاره های متعینه آنجا را گفته رفت که نجف علی
نوکر بهوانی خواص مقید در کدام مقام رفتن نیابد و در پرده نگاه باید داشت
هرکاره ها گفته بچشم خبر دیوره‌ی سکندر شکوه مغفور امروز دختر سی ساله
مرزا ببر پسر سکندر شکوه که با پسر سلیمان شکوه نامزد است بسواری کهرکهره
با برشادی طرف اکبرآباد همراه اشرف کارنده مرزا اندکور مع دو منزل بهلی
بسواری کنیزکان و یک چهکره محموله اسباب رفته است زبانی لوران هرکاره
خبر مکان میر حسو مقید فهمن دایه ساکنه گڈهی نعیم خان ظاهر میکند که من برای
معالجه زن میر حسو مقید آمده بودم در پهره سرکار گرفتار شدم و پسر شانزده
ساله من که بیمار است لهذا میخواهم که رهائی من شود تا بخانه رفته پسر خود را
ببینم وگرنه پروانگی شود که بخانه رفته باز آیم زبانی گنگا هرکاره خبر مکان همراج
خواص مقید امروز رام دین برادر زن همراج خواص مقید با امانت خان

ظاهر کرد که امروز چهاونی جبرهای کربلای کهنه واقع آنزدی دریاکه کهنه شده بود
بسبب بارش باران بیفتاده براس آب زیر جبر درآمدند لیکن بخیر برآمدند
زبانی بهوانی هرکاره خبر مکان احمد علی سالار سالار مذکور تا حال در درد ملکشا
نرفت است و در خانه خود بعشرت میگذراند زبانی کلیان هرکاره خبر دیوری
راجه مادهو سنکه سوائی صبح امروز کهاسی حوالدار مع مردم خود در کربلا
حسینی رسید و مردم و هرمداس حوالدار که از طرف راجه مذکور شحنه آنجا
بودند برخاست کرده آمد و بهیرون حوالدار مردم خود را همراه گرفته بمکان
محرم خواجه سرا رفت زبانی برشاد هرکاره خبر مکان سبهه سنکه کمیدان
امروز کمیدان مذکور برسم سراده بدرش راجه مادهو سنکه سوائی و دیگر مردم
برادری قریب شصت کس را سوئین خورانید و خورش برهمنان را بر
فردا ملتوی داشت زبانی موتی هرکاره خبر بلیتن سالار بخش برخش سپاهی
قوم خیاط ساکن اراوت نکر همراهی خیراتی خان اولسدار در خانه خود
بارچه اولسدار مذکور و هر فردی دیگر دخت عیناید و از بلیتن غیر حاضر است
و تنخواه خود برضای اولسدار بر وقت تقسیم میگیرد و اوقات خود در فارغ البالی
میگذراند زبانی سکهاری هرکاره خبر بلیتن لطف علی جمعه دار بارگیر آن حسین علی

رفته بخانه باز آمد و مولچند مهاجن و شبهاکرن وکیل مصطفی خان قندهاری و مولوی

نعیم الله وغیره آمده ملاقات حاصل نموده بخانه خودها رفتند فقط زبانی پرشاد هرکاره

خبررسانه عبد الباقی خان قندهاری امروز از پاس روز مانده درد دست راست خانه کور

از ساعد تا آرنج آماس نموده است بسبب شدت درد بعرار است زبانی دهنی هرکاره

خبررسانه عبد المعبود خان قندهاری عبد المعبود خان و خیر الله خان بر حسب حکم

در کربلای حسینی رفته از آنجا و راه باز آمدند و عبد الباقی خان بسبب درد که درد دست راست

دارد نرفت زبانی دهنی هرکاره خبررسانه مصطفی خان قندهاری فدا علی جو مدار

ملازم سرکار دولت باید او برادری غلام حیدر میرده حکم زبانی راجه در سکه بهار

غالب جنگ بخانه مذکور رسانیده رفت که او مع عبد الباقی خان و عبد المعبود خان و خیر الله

همراه تابوت سرفراز محل وزیر الممالک نواب صاحب بهادر برود مصطفی خان مذکور بر فور الحال عمل حکم

نمود زبانی تلسی هرکاره خبر مکان سوبها سنکه بندت امروز کمیدان مذکور را تب لرزه

بشدت و حدت نمودار گردید زبانی هیرالال هرکاره خبر مکان باقر علی ابن حسین بسر

عنایت علی کپتان بنوشته امروز ابن حسین مذکور از طرف رام پور شحله سلون لوازمه تپ

بیمار شده خانه خود آمده است زبانی امرت هرکاره خبررسانه امام علی و لطف علی

جماعه دار بارگیر احیات خان رسالدار نزد جماعه داران مذکور آمده ظاهر کرد که امروز

خبر میشود زبانی تیجی هرکاره خبردیوری کنجهاری داروغه بریست میرالال
متصدی وکلاب سکه چه راستی ظاهر میکنند که بهاریلال مستاجر شنجن دروازهٔ دهلی
متصدی محصل زر کرایه مکانات نزولی هردو متفق شده یک منزل حویلی نزولی
واقع تولبته مع کرده گرفتند و عمله حویلی نزولی بازارکشت رای کنده بخانه خود
برداشته بردند و مکانی که در کتره سید حسین خان واقع بود دیگرایه چهار آنه
در ماهه داده و عمله مکان را بنام وزیرخان نامی کرایه دار نامزد کرده بده روپیه
فروخت و سه درخت یکی از آن دو روپیه را بدست دهنی خان نجار و دوم
دو روپیه بدست هزاری لال وسوم دو روپیه و هشت آنه را بدست احمد علی فروخت
وعلاوه آن متصدی و مستاجر باهم سازش نموده خورد و برد مینمایند و درپی
زیان مال سرکار دولت پایدار میباشند بنابران از راه خیرخواهی
ظاهر میسازیم که خداوندگان حضرت قبله عالم و عالمیان رسیده حالات دیگر
که قابل اظهار است عرض نمائیم زبانی بهوندو هرکاره خبردیوری راجه بختاور سنگه
صبح امروز راجه بختاور سنگه در جهت رفته درستی کوتهی کرده پنج ساعت
از شب گذشته بخانه باز آمد زبانی رام دین هرکاره خبردیوری سیف الدوله معتمد
امروز پاسی از روز مانده میدو خان نزد امداد علی که هم خویش و هم برادرزاده

دعنایت علي و شرف الدین و کاظم و [illegible] خان منع بار کبر همراهی لطف علی
جماعه داربارکبران از عرصه یکماه درلین بنا مده اند و بر نوکری غیر حاضر لا یعنی نهج
کاه کاه می آمدند باقی اوقات بخانه خود میگذرانند زبانی بهوانی هرکاره خبر رساله بابد
امروز کهراج سنگه صوبه دار لاهوری و زنگش را که از طرف سورجامودی در
رساله باد سامی متقرر است گفت که دانه ناقص می آری و بدبر سینجی و چهار من
لت و منع ضرب لیبا که زد و زنگش مسطور دنبای بندگان قبله عالم و عالمیان شد
صوبه دار مذکور چهار تازیانه زد و برصدای دهای کوش ننهاد و زنگش مذکور به
ضرب آن آه میکشد زبانی اجودهیا هرکاره خبر دور رهی سالار بخش پسر دهنی خان
بهوانی منوسب امروز بار خان پسر سالار بخش مذکور را غازشادی کتخدائی خبر خود
نموده است زبانی بهوانی هرکاره سوقع بوقوع واقعات کار پرداز آن خبر نعمتها
محمد احمد خان داروغه نعمتخانه هزار روپیه را طعام تحت [illegible] در درگاه باره امام
علیهم السلام حید لیکن نه من شیر و دو من قند و چهار من روغن زرد
معرفت بهوانی سنگه نمندار که خوشتر بدید شد همه ناقص بود قابل کار نبود مگر
لشکری خان کارنده داروغه مذکور همه چیز ناقص خرید کرده بکار آورد و سابق
جنس ناقص که خرید میشد جرمانه می افتاد الحال اتفاق است که تمام جنس ناقص خرید

متعلقه بر شادی لال متعلقه قرابتی متعلقه مذکور و احمد علی برادر اعیانی متعلقه مسطور

و تهنکهرای مهاجن و رادهی لال لی نوکر آمده ملاقات حاصل نموده بخانه

خود ها رفتند و زن متعلقه مذکور بسواری فینس خانه زادت لال پدر خود که واقع

کوله کنج نشست رفته است زبانی منوهر کاره خبر دیوڑهی قنبر علی خان داروغه نعمتی

عرصه بیست روز است که زن بدلی خان با وجیهانه همراهی داروغه مذکور

یک کنیز و یک غلام از طرف بابکر سو خانه خود آورده بود دیروز یک کنیز

فرستاده ٹیپو نامی همزلف قنبر علی مذکور را صفی پور نزد داروغه مسطور رسید

بر فور بخانه بدلی خان مذکور فرستاد زبانی تیجی هرکاره خبر رام دیال تینبی

کلزاری مل متوجه امروز زن تینبی متوفی مذکور را که بابه دار است از وقت دوپهر

بشدت درد سر حالت غشی طاری است و درد بر جسمان افتاده است الا تجویز

فلان دایه استعمال ستایب باکرده شد زبانی حیدا هرکاره خبر دیوڑهی ستی لال

امروز بابک مذکور تجویز حکیم محمد علی نوکر خود تبرید نوشیده و دندارو که در بابک مسطور

رو کرده است فقیری جراح ساکن کهنوریه مرهم مینهد زبانی مکا هرکاره خبر دیوڑهی

اکنن امروز قریب پاس روز مانده بخانه کشن لال پسر اکنن لال مذکور

پسر تولد شد مدد خان وغیره سپاهیان دیوڑهی مسطور و کفت علی وغیره کلسبا میان

متوفی مذکور رسیده آمده بکدام نشسته کلمات دنیاب زی کرده بخانه رفت زبانی رام نگار

خبر نجلوریی جکناته چودهری نبیره دوارکا داس چودهری مذکور فقیری بر همین

نوکر خود را برای دریافت خبرهای دولت فلک رفعت وزیر الممالک نواب صاحب بهادر

مقرر کرده است بچودهری مسطور خبر میرسانند وجابجا از آشنایان خود گوید ظاهر میکند

و سابق حکم سرکار دولت پایدار شرف نصدور بخشیده بود که احدی خبر دولت

فلک رتبت جایی نرساند اگر خواهد رسانید بقهر سلطانی گرفتار خواهد آمد بر همین مذکور

خلاف حکم محکم شیوه خبر رسانی ورزیده است زبانی لچهمن هرکاره خبر ... لالجی

نایب ... صاحب بهادر امروز فخر الدوله دبیر الملک راجه رتن سنگه بهادر

بسواری پینس در خانه لالجی مذکور آمد بعد چهار ساعت از خانه برآمده وقلیان

کشیده بخانه رفت ولالجی مذکور نزد بالکرام پدر راجه مذکور رفته بخانه باز آمد

زبانی منا هرکاره خبر دوریی راج بهادر ... دولت ... راج بهادر مذکور

ظاهر میکند که من بسبب تکلیف برداشت دوراس اسب که موجود دارم نمیتوانم کرد

و در سفر و حضر نیز نمیتوانم آورد لهذا امیدوارم که اگر حکم محکم شرف صدور بخشد تا یکراس

اسب برای بابا هر پرشاد مهنت جانشین بابا سیهجرام فقیر نانک شاهی بطور نذر

طرف حسن پور بندهیوا روانه سازم زبانی نهال هرکاره خبر دوریی رام ...

طعام خورده و بابک مذکور وقت رخصت پنج روپیه بر فقیر مسطور مزد دهند نمود فقط

زبانی شیر علی هرکاره خبر دلاهی ماهولال متوسی فی زن متوفی مسطور ظاهر سکند

که من برای ادای زر سرکار ربدل و جان حاضرم بل رقعه معامله معرفت حکیم آقا بو

نویسنده دادم حالا از طرف حکیم آغا علی کنجه هاری کهتری بر مکان من آمده

بطمع نفسانی خود مرا بعزت و بحرمت ساز زد و هر چه در دلش می آید بر زبانش

میرود از ین جهت زن مسطوره که بعارضه ضیق بیمارست در رنج و ترددزیاد

گرفتار فقط زبانی تنها هرکاره خبر دلو... صاحب ... پور نحیف متوفی امروز دو

کهری از شب گذشته صاحبرام مذکور از مکان خود باراده رفتن دسی

در باغ سنبونا تهه واقع حیدر گنج فروکش شد فقط زبانی هر سحن هرکاره

خبر مکان رینداس ... هری ... رو پنج امروز چو دهری مذکور مع نزدیکان

وغیره کارندهای خود بر بزاده های بابک گنج و بی بی گنج رفته بزاده ها را دو

دو روپیه از بلاقی وغیره نه کس بیو باری بطریق نذر گرفته در خانه خود باز آمد فقط

زبانی درگاه هرکاره خبر مکان کوهرمل مهاجن از صبحدم بهر دو داس پسر مهاجن مذکور را

حالت نزع ست و طاقت کلام نیست لهذا امروز کهری دار العرب بسد و دو ماند

زبانی رام بخش هرکاره خبر مکان گو ... متوسی فی امروز زن متوفی مذکور

تهانه امیر سیک تهانه دار باؤلی مینا بازار مندو قهار را اسیر کرده نزدیک حضور انعام
یافتند زبانی لچهمن هرکاره خبر مکان خیراتی زر روزینه یکسال و هفت ماه میگذرد
که فرخنده و امیرن دو کنیز زر روزینه گور گریخته بخانه منیا و خیرن زن خیاط مقیم
گردیدند امروز سراغ فرخنده کنیز بهم رسید و امیرن یافت نگردید بعد ازان روز
مسطور فرخنده را بخانه خود داشت و خیرن را در قید گذاشت و منیا را گفته داد که
امیرن را تلاش کرده آرد وگرنه خیرن را از قید رهائی نخواهد شد و منیا و خیرن
هر دو انکار میکنند که ما از امیرن واقف نیستیم فرخنده که در خانه ما بود موجود است
زبانی سیوا هرکاره خبر دیوڑهی دلارام عامل [illegible] کالپی فیلبانان
نوکر عامل مذکور ظاهر میکند که یک زنجیر فیل ماده سواری بخت مل متوفی مذکور
چهل فرسنگ راه را در یکروز طی میکند در احاطه خود که واقع تنباکو منڈوی است
پا بزنجیر کرده است و دلارام مذکور که سابق یک چبوتره در میان اصطبل نزد سولی
سرکار دولت پایدار واقع علی باغ میساخت بموجب کاغذ دستخطی ملتوی گذاشته بود
حالا از علاقه متعلقه خود آمده عدول حکم کرده برای چبوتره یک بنگله ساخته است
زبانی گنگا هرکاره خبر دیوڑهی [illegible] بابک امروز قاسم شاه فقیر حاضر باشان
در دولت فلک رفعت بر مکان بابک مذکور آمده تا دو پهر قرار روز زیر طعام

بر بیسر داس و بر سهاهای پسران استوفی مذکور حسب حکم برای جوبرسی
پدر خود بوعده پنج روز در خانه اند رفته بود ند هشت روز ست که تا حال بخانه اند و
جمنا نوکر و بیسر اج قرابتی شان سی و هفت بطرف رنگی وغیره برای فروخت برده اند
و بهولا ناتهه جوهری ساکن سوندهی توله را لپسران مذکور طلبداشته تا شش گهری
اندرون مکان همکلام ماندند و وقت رفتنش بهره سپاهیان بلتن نزاین سنگه
که متعینه ست تلاشی نکرفت زبانی لچهمن هرکاره خبر مکان اردومل مودی سفید
امروز الف بیگ سونته بردار ملازم سرکار دولت بامدار حکم زبانی راجه درس سنگه
بها در غالب جنگ به بلدیو جوالدار همراهی راجه ما دهو سنگه سوائی رسانید
که اگر مودی مذکور نزد محمد عباس برود مانع نشود الا یک تلنکه همراه رفته باشد
زبانی کوند هرکاره خبر دوهی پچا ... عامل منسوب ... ده روز میگذرد که زن بیکام الم
عامل ستوفی حمل ده ماهه خود را اسقاط کرد از زبانی زن امراو سنگه سرکلان
عامل ستوفی و جهیدی لال نقال آشنای او بظهور پیوست و زن امراو سنگه مذکور
هم حمل قریب چهار ماهه از نقال مسطور دارد چون کنکا هرکاره متعینه دیوڑهی
ستوفی مذکور را از زن امراو سنگه پرسید که این حمل از که بود گفت که جی رام برهمن
نوکر که شب و روز میماند و هم بیتمبر داس کاتهه همراهی راجه روشن لال تعلقدار
خاند ...

از اندرون بیرون آمده خواست که بخانهٔ چهو نامی قرابتی خود برسم تعزیت
برود فضل سوبلی سپاهی همراهی نراین سنگه کمیدان مانع و متعرض شد و بابی
خود را در دروازه فشرده زن مسطوره بحال بیاورده راهی خانهٔ چهو شد و سبب
جهانگیری بخانه باز آمد فقط زبانی لنگا هرکاره خبردیورهی ثبیر خبید بخشی امروز میره بیگ
بخشی مذکور که بیمار بود فوت نمود فقط زبانی بدل هرکاره خبردیورهی خواجه محمود عامل
باکرمو وغیره امروز نیاز علی تحصیلدار باکرمو دو زن و یک طفل فرقه غربان کلی سماة
نبولیا چهل ساله دوم دیوکیا بیست ساله و سکلیا طفلک هفت ساله که از طرف جهانگیر
آمده بخانهٔ محمد حسین ساکن باکرمو فروکش بودند معیت متهرا سنگه وغیره جهار سپاهی
بردیورهی خواجه محمود عامل فرستاد زبانی لنگا هرکاره خبردیورهی نظرعلیخان داروغه اسپان
امروز بادل سایس ملازم سرکار دولت پایدار همراهی داروغهٔ مذکور بیکسی از روز ماند
اسپی از کوتهی جانهم برای شستن در دریا میبرد در دروازه آهنی متصل فرح بخش
اسب نوسنی کنان میرفت لال سنگه سپاهی همراهی منی سنگه صوبه دار بی مذکور
دشنام داد سایس گفت که چه میگوئی سپاهی بلا تامل کفشی بر سرش زد سایس
باز آمده اظهار اینحال از رجب علی برادر داروغه مذکور کرد برادر داروغه گفت که
تحقیق کرده خواهد شد زبانی مهگو هرکاره خبردیورهی بدر بیداس مشوقی میشری داس

نهان سلم از کوتهٔ مذکور برآورده برد زبانی ماه موهن هرکاره خبر برقخانه نگرپا از روز یکه

برمکان حسین بیک بهره سرکار دولت پایدار شعینه سپت خرید داری برف از از

موقوف امروز کلو نوکر حسین بیک مسطور در برفخانه نگرپا آمده دو کهری از ماه

کارنده محمد احمد داروغه نعمتی خانه وامد وجود دهری سخن در گوش کرده شانزده

برف وزن کنانیده برد زبانی سرابر کاره خبر توپخانه نگرپا عرصه سال گذشت

که چهار کوتهٔ توپخانه نگرپا متعلقه راجه درشن سنگهها در غالب جنگ بهیر

عسکر علی احسن که از طرف حکیم مهدی مقرر گشته بود متعفن ست و در آن کوتهها

باروت و شوره و کبریت و آهن و توپهای خرد و گوله های وغیره مسدود

حال انها معلوم نیست چرا که سه موسم برشکال گذشت والله تعلم که تعفن

چکیده اشیای مسطوره تر گردیده باشد یا سلامت ماند فقط زبانی چهتا هرکاره

خبر تازیخانه اتیما ... امروز در تازیخانه واقع موتی محل یک سگ ماده

از قسم ترکی یا اتیمام ولیم تربت متعلقه چندو در یک نکاش خارش مرد فقط

زبانی علی بخش هرکاره خبر زنبورخانه متصل عیش باغ امتو چوبدار نوکر مرزا سلیمان صاحب بهادر

مع مرزا جان نامی آمده بعلی رضا سرگروه بیرخان وغیره زنبورچیان حکم رسانید

که تو موقوف شدی همه زنبورچیان با اطاعت مرزا جان مذکور پرداخته باشند

که گاه ماه می آمد حمل مت برنج هر دو میرود آینده والله اعلم که از کدام ست زبانی
گنگا وجها هرکاره خبر مکان مهر علی عرصه هفت سال سکندر که امام بخش نوکر
مهر علی ساکن سنبرخانه متصل مکنیه ٹوله حسن افزا ورا ست دو کنیز چهار ده
وشانزده ساله و امام علی غلام ده ساله را از طرف فیض آباد ورغلانیده
آورده بدست مهر علی مسطور فروخته بود دیشب مهر علی مذکور حسن افزا را زد و کوب
نمود امروز حسن افزا مسطوره از خانه بر آمده حال مذکور ظاهر کرده ودهائی بندگان
قبله عالم وعالمیان کشید وگفت که مهر علی مذکور هر سه را نبوره از هندو و مسلمان کرد
وناحق زد و کوب مینماید هر چند واویلا میکنیم کسی بداد ما نمیرسد زبانی گنگا هرکاره
موقع لو قوع واقعات کارخانجات خبر توپخانه بالک گنج امروز حسن رضا
داروغه دو ضرب توپ یکی توپ مجنون و دوم گورده از حکم زبانی راجه درشن سنگه
بهادر غالب جنگ بمعیت صاحب سنگه گوله انداز توپخانه که در محل چهلی بنا شاد
خواهد شد روانه کرده است زبانی چیتا هرکاره خبر فراشخانه چودهری حسین بخش
هرکاره فراشخانه مذکور یک منزل جهلکره مخمل زربفت و یکجوره قنات و نهواره وغیره
همراه خود در ملک شاه برد زبانی کالکا هرکاره خبر تو ... امروز ناظم علی
پسر ظفر الدوله بهادر مع سیف علی نخو ...یدار آمده چهار صد و هفتاد و پنج بهادر گنج

سلیم رفته بود امروز بخانه باز آمد و وقت معاودت از اشاره راه ایلچی بلدی
وغیره پنج کس انگاران را گرفتار آورده در قید داشت وازده روز سیوا انگار
در موضع ماه نگر متعلقه دهات دار السلطنة لکهنو و بهولا کهنک متصل تالاب گنگی کوکل
دکان شراب بیکاری از سر نو جاری کرده اند زبانی نخاود رونوار هرکاره ها
خبر کچهری اربابان دو صدر و چکله هست روز میگذرد که جنی طوایف دختر
کرمن طوایف ساکنه شیخن بازار محلکای ترک اشنای اسمی حسن علی پسر
رمضان علیخان متوسلی در کچهری نوشته رفته بود امروز کرمن مادرش آمده
بیست و پنج روپیه داده محلکای سطوره را از صندل داروغه بر آورده برد فقط
زبانی مشا هرکاره خبر کچهری صدر قریب پنجماه میگذرد که صندل داروغه کچهری مسطور
محلکای بابت نکردن معامله در مکان خود نزد قاضی تراب علی منتظم کچهری در روت
فلک رفعت نوشته رفته بود با وصف آن گنگیا برهمنی ساکنه کاتهه پور وارد
اسمعیل گنج را سه ماه هست که بر مکان خود گفته داده بود که تو نشوق تمام
کسب کرده باشی امروز بسبب نالش چرکو نامی آشنای او در کچهری
مقید کرد فقط زبانی بهوانی هرکاره خبر کچهری عدالت دیوانی دیروز حاکم محکمه
مذکور کان قید عالم و عالمیان بنام هرکه و مه شر فصدور بخشیده بود که همراه

هرکه انحراف خواهد ورزید بسزا خواهد رسید فقط زبانی پوران هرکاره خبر چهلی خانه کلان
بلدیو سنگه وغیره بست و چهار قیدی چهلخانه که برای خفت شرک طرف فلک بسوی
از عرصه هشت ماه رفته بودند بر پروز در چهلی خانه آمده امروز از سادل خان
تراب خان نایب تمن همراهی جیا سنگه و سنا سنگه تمندار ان ظاهر کردند که ما همه
بست و چهار کس روزه خود را از هشت روز یافته ام اگر سنه هیمیرم
گفت که اظهار ببیغی سرکار دولت پایدار کرده خواهد شد زبانی اکبر شاهی هرکاره
خبر نقشه امروز حیدر علی پسر فضیلت خواص متوفاة جمونا خانم اسامی
نواب صف الدوله مرحوم بعارضه تپ و درد شکم فوت کرد زبانی مادهو هرکاره
خبر تکی خانه اهتمام جوزف امروز سقف تکی خانه اهتمام جوزف که واقع متصل
انبار خانه است از باعث بارش باران چکید کارتها و اسباب هم چه در انجا
داشته است تر گردید و اصطبل که روبروی تکی خانه واقع است یازده در که سقف او
انباشته نیست دیوارش بر زمین رو نهید و نوزده در که انباشته است سقفها
انها چکید مادیان های اهتمام جوزف دران منع دور بشبیه زبانی حاجی هرکاره
موقع بوقوع اوقات کچهری ها خبر کچهری آبکاری قمر الدین مستاجر
از سه روز همراه هیمراج یزنه گنگا خواص برای دید شواله اش در سیلم پور رفته

رسانیده برای نمونه داده که این قسم بیشتر گم شده است اگر در بازار برای
فروخت آید سراغش باید گرفت برفور کوتوال مذکور پروانجات نویسنده
بر تهانجات روانه کرد و بیشتر را از خود داشت فقط زبانی هوالی و عباد الله هرکاره
خبر کچهری احتساب امروز صندل داروغه کچهری مذکور حاضر ضامنی مسماة ککیا
قوم برهمن که از عرصه چهارده روز علت نالش قرضه چرکو نامی سپاهی در کچهری
مسطور مقید بود واگذاشت زبانی بدل هرکاره خبر کچهری داغ تصحیحه
امروز در کچهری مسطور بکراس اسپ یسین خان سوار رساله لال خان همراهی
راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ عوض برآوردگی بداغ رسید فقط
زبانی گلاب هرکاره خبر چبوتره جوهری بازار نونده رای و بخت مل وغیره
کناری فروشان قریب پنجاه کس بر مکان بدهی چند جمع شده مشورت
کردند که مال قلبی که از برونجات طلب میشود ذو قاعل مستاجر چبوتره مذکور
ما همه را قید میکند و محلکا نوس بنده جرمانه میگیرد مناسب است که دکانها را
بند سازیم برین مشورت همه ها امروز دکانها مسدود نمودند و مستاجر مذکور
میگوید که هر قدر که مال سفید از کلابتون و مقیش و جهالر وغیره در سرکار
دولت پایدار صرف شده است همه قلب اگر تدارک این از سرکار دولت پایدار

تابوت سرفراز علی وزیر الممالک نواب صاحب بهادر برود با وصف صدور حکم میر
مشرف علی داروغه عدالتین همراه تابوت نرفت و از روی تبختر در خانه خود ماند
بلکه امروز بر دیوری نواب صاحب بهادر رفته از انجا در هندوی غازی رفت سپس
جایی بهر جا که در دلش آمد گردید و از اطاعت حکم عدول نمود زبانی هندو هرکاره
خبر کچهری عدالت دو عدد ... فضل ناظر و امیر علی برادرزاده میر مشرف علی داروغه خاص
عدالتین رخصت پانزده روزه مع بهاری وغیره چهار ... اسپ طرف کانپور
رفته اند والله اعلم که کجا رفته اند و برای چه زبانی هندو هرکاره خبر کچهری بخشی
امروز روشنیان وغیره یکصد و دوازده نجیب پلتن بابو جی لال سنگه همرا
راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ در کچهری مذکور بتقسیم تنخواه رسیدند فقط
زبانی فقیری دیدل وکنگا و تولا هرکاره ها خبر کچهری جهت ... لکاسی ... یکصد
و دوازده قطعه چتهی لکاسی مردم ناکجات از کچهری مذکور بآبادی گشت و پنجاه و شش
تنکه محصول بحصول آمد زبانی بده سنگه هرکاره خبر چبوتره کلان امروز عبد الله بیک
نایب علی رضا بیک کوتوال لال محمد سارق را العلت دزدی دو گلیم جانب خسار
جبینش داغ نهاد واحمد علی چوبدار ملازم سرکار دولت با بیدار یک گوشه نیز
نقره گرفته حکم زبانی راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ بعلی رضا کوتوال رسیده

دارثانش دادخواه اند و میگویند که طعام برای او میبریم سر اغش نظر نمی آید
و او گرسنه و تشنه میماند و الله اعلم قصور کدام از و سر زد شده است که
مستوجب این قید شدیدست زبانی لنگا هرکاره خبر کچهری دو ان اهتمام
محمد عباس برادر وزیر الممالک نواب صاحب بهادر اردو و هوشناک بود که
از برپرور زر و پوش بودند امروز نزد محمد عباس مذکور رو نمودند زبانی او دیگر هرکاره
موقع و قوع واقعات جهادلی و دروازه وغیره خبر آهنی دروازه شیولال
چودهری علاقه دریا اباد بر در دولت فلک رفعت ظاهر مینماید که من از قدیم الایام
چودهری علاقه مسطورم و تمام ساکنان و باشندگان انجا را بکار دانی و رسائی خود
راضی و شاکر داشتم الحال دلارام عامل علاقه مسطور از راه طمع نفسانی
و با غوای بعض مفسدان مهولاس و بهگن را چودهری مقرر کرده مرا خارج ساخته
دریل آزار رعایا و برایا ست لهذا مع دیگر رعایای انجا بر در دولت فلک مرتبت
مستغیث ام که از راه معدلت بداد خود رسم صورت حال رضامندی رعایا موجود دارم
زبانی سیف الله هرکاره خبر آهنی دروازه متصل کوتهی فرح بخش جواهر حلوائی ساکن
دریا اباد بر در دولت فلک رفعت مستغیث است که او دیراج برادرش از
دریا اباد طرف قصبه ردولی میرفت اثنا در راه شیودین نامی ساکن موضع ملکهیر

شود البته نوابد سرکار بسیار رود هد فقط ۸ بابی مواری مهاره جرد الضرب
حسین خان تلنگه پلتن سمهر سکه منعبه دارالضرب از باعث دوستی
شوکال بلدار ساکن بوره بیلداران که متصل قندهاری بازار واقع است
گوردیال نامی نجار ساکن حیدرگنج راکه مبلغ ده روپیه قرضه او میخواست
از عرصه ده روز در دارالضرب قید کرده بود امروز مهکاره اضیار وجرآسان
کچهری جرنیل ودیوانی را دریافت گردید لهذا حسین خان مذکور گوردیال
مسطور را از دارالضرب بدر کرده برد ودلسکهرای کارنده بهیرون داس
داروغه دارالضرب مذکور یکصد ویک اشرفی جلن زر ان کنهی لال وسکوا ندداس
مهاجنان جوفروش را منفی ساخته بضرب گمن درآورد و چهار هزار و هشتصد و
هشتاد و نه روپیه سکه جلن ازان بها کرده اس مهاجن گذرانیده فقط
زبانی رام بخش مهکاره [illegible] بیست روپیه راکه بدلا نامی کلخن افروز
یک دکان واقع نکریا به نذرانه چهار روپیه از رام دیال مستاجر بوارگنج گرفته بود
کلو نامی شخصی نزد بشنوداس ناظر صاحب آمد گفت که من نذرانه دکان
هفت روپیه خواهم داد بر بنیعتی ناظر صاحب مذکور بدلا مسطور را از چهار روز
گرفتار کرده در محبس وربطه بلا انداخته است که سراغش هم نمیرسد ووارثانش

ذکر ضرب رسید و چوب نشان هم شکست نشان بردارند گور بر ڈولی سوار شده خانه خود رفت فقط زبانی شیر علی و سیف الله هرکاره ها بمقابله پرانهٔ هرکاره خبر چها ولی مصطفی خان قندهاری امروز نهار دن خان جماعه دار سواران لسواری فیل ها ده طرف خیر آباد که متعینه آنجاست رفت فقط زبانی تلسی هرکاره خبر باغ بر شنو دین نامی چودهری باغبانان حکم زبانی راجه درشن سنگه بهادر عالیجناب یافته دو درخت خرما از باغ مذکور کنداینده بر در دولت فلک رفعت برد زبانی دُلّا هرکاره خبر عیش باغ سانولی نامی فرقه غریبان و حسین بخش نامی ساکن نخاس کهیاوغیره دو دخترک هفت و هشت ساله را از دروازه عیش باغ بطرف ببردند نول نامی کارنده چهاوستاجر باغ مذکور از انها استفسارش نمود گفت که بخانه حسین بخش ساکن نخاس و فقیر بی نامعلوم الاسم که در خواصی قادر علیخان می نشیند میبرم کارنده مذکور آن هردو دخترک را مع آنهر دو کس گرفتار کرده نزد امامی چودهری باغ فرستاد زبانی میانجان و جهندا هرکاره خبر سنده باغ امروز رام سنگه سپاهی با همراهی مداری خان تمندار از امام بخش هرکاره متعینه سنده باغ ظاهر کرد که دو شب شخصی از عقب دیوار باغ که افتاده است در آمده چهار کلسی مسی لا مع ملمع طلا

عمله پرگنه رد ولی از راه سینه زوری او را گرفتار کرده نزد فصیح الله زمیندار
موضع فتحپور و مهدی پور عمله پرگنه مذکور مقید کنانیده ظاهر نمود که حصل روپیه ان
بابت قیمت شراب ذمه اش بر می آید و حق است که جنس بنت تنبلی ست و دو روپیه
ان برادرش ذمه شود بیت مذکور می باید و زمیندار مسطور انواع شد اید
بر و میرساند در بصورت مترصد معدلت گستری ست فقط زبانی سیف الله هرکاره
خبر کوهی [illegible] امروز گنجهاری داروغه پرست مدد برای طیاری جبر و
شکست و ریخت و سفیدی وغیره در کوهی مذکور فرستاده ست فقط
زبانی حسین خان هرکاره خبر ان که عالم نگر ره سپاه نامی رام جی سا کنه سرا
آغا میر متوفی بتقریب سواری زنانه بضمانت هاشم بیشاره از ان که عالم نگر
میرفت فتح علی عرض بیگی عند الثبوت جنهی جبل هاشم مذکور را طلبید اسکفت
که ضمانت معتبرش گرفته شود و فرد ابیشاره صبح دم حاضر کرد و تا روپیه
راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ روبکاری کرده است فقط زبانی بده سنگه هرکاره
خبر آهنی دروازه متعلقه سونی محل امروز خدابخش نشان بردار همراهی
راجه گجادر سنگه اسپ سواره متصل دیوار ولایتی باغ استاده بود ناگاه اسپش
الف گردید نشان بردار مذکور از اسپ بیفتاد بر سر و شانه و پای چپ و کمر

نزد ظفر الدوله بهادر آورده بست زبانی کهرکی هرکاره خبر امام باره نوشت

امروز رمضان خان داروغه و حاجی حسن داروغه امام باره مذکور مقصد آورده اند

دلست و شش روپیه برای عرس حضرت خلد مکان از نزد ظفر الدوله بهادر آورده

زبانی مدل هرکاره خبر مقبره حضرت جنت آرامگاه بخش الله خان و محمد جعفر داروغه های

مقبره مذکور تحصیل کرایه دکاکین مقبره کرده در مرمتش صرف میکردند و شیرینی

هر پنجشنبه را هم بدست خود تقسیم مینمودند بل سکشو بیدار وزیر الممالک نواب صاحب بهادر

هم حکم رسیده بود که دکانداران کرایه دکاکین بداروغه ها داده باشند باوصف

صدور حکم عاشق علی ستاره که در برج مقبره کچهری خود را قرار داده است از

جمیع دکانداران سرخط باین مضمون که کرایه دکاکین بداروغه های مذکور نباید داد

بجبر نوشته بدست آورده لهذا دکانداران در دادن کرایه انکار دارند و امروز که

روز پنجشنبه بود بدو حلوای هم شیرینی برای نیاز نداد و گفت که حاصل روپیه

بر می آید بدهید تا شیرینی بدهم داروغه های مذکور شنیده خاموش ماندند

زبانی دهنی هرکاره خبر کربلای حسینی امروز یکنیم پاس روز بر آمده یک کنول

دیوار کبیر بصدمه جنازه محمد اعظم سوار رساله حسام الدین رساله دار همراه

نواب مرحومه بر زمین افتاده باشد پاشش کشت فقط زبانی رام سنگه هرکاره

تعبیه چهار برج باره دری واقع پسند باغ دزدیده برد و من تنها که در آن

باغ مهمانم مرا معلوم نشد که کدام بود و که ربود فقط زبانی امام بخش کاره موقع شنود

واقعات درگاه و امام باره وغیره خبر درگاه حضرت عباس علیه السلام جرنیل صاحب بهادر

آمده هشتاد روپیه در درگاه موصوف گذرانیده رفت و مرزا محمد داروغه درگاه

ده روپیه بروز نوچندی پنجشنبه از آمد برآورده صرف مینمود امروز چهارده روپیه

بتصرف در آورده دو دو خوان تبرک دست پهلوچوبدار بردیوره محل جناب مخدره را بتذکره

حضور جناب عالیه متعالیه نواب سلطان بیگم شاه جم جاه دام سلطنتهم فرستاده و داروغه

یک طوق و یک زنجیر و یک تاج که از محل جناب ممدوحه آورده بود از درگاه موصوفه

مس کرده بردیوره محل جناب ممدوحه رسانیده آمد فقط زبانی خوشحال هرکاره

خبر امام باره حسن رضا خان ستوفی دو درخت خرمای خورد و کلان که در امام باره

مسطور است از چند سال بار نمی آورد امسال درخت خرمای کلان بار آورده

ساکنان امام باره ظاهر میکنند که تخمش از کربلای معلی رسیده است و سابق که

در عهد حضرت خلد مکان بار آورده بود باغبانان برای حفاظتش از سرکار دو نفر بیلدار

تعین شده بودند فقط زبانی امرت هرکاره خبر امام باره کلان امروز آغا جان

داروغه امام باره مسطور پانصد روپیه برای عرس نواب آصف الدوله مرحوم از نزد

ست زبانی چهیدا هرکاره دیگر دیشب دزدان بخانه رمضان بیگ ساکن

جرنیل گنج نقب داده درآمدند و اسباب مفصله ذیل دزدیده بردند

دوشاله رنگ زرد	دوپته قرمز	قبای اطلس دریده	بندوق توره دار	پتیلی مسی
یک زوج	یک	یک		سه عدد

لوته مسی	رکابی مسی	کفگیر		مرادو سنه
یک		یک		

دیگر سابق بیتا نامی سارق که بعلت دزدی جابجا در سرکار راجه در سکه بهادر

غالب جنگ گرفتار آمده جوڑی کڑه طلا ذمه مکوا اهیر ساکن برفی نه نگر با ظاهر کرد

فرستاده های راجه مذکور بگرفتاری مکوا رفتند روپوش گشت و بدلا نامی برادرش

در روند چینی لال مهتمم گرفتار رفت حاضر ضامنی داده رها شد باین شرط و فقیکه

برادر من خواهد آمد حاضر خواهم کرد بیست روز میگذرد که مکوا برادر بدلا بخانه خود آمد

اطلاعاً گاه ظاهر شد آینده اختیار سرکار دولت پایدار است خط زبانی مسا...

دیگر مولچند کاتهه ساکن گنگهی ٹوله واقع محله نواز گنج بنای دیوار جدید با گچه

نو خرید خلاف معمول آنما بر شاهراه که مردم روند و دیگر ایدکان ورونده

آمد و شد دارند بمقدار دو درعه عرض و هشت درعه طول بجای بدرروآنده

در صورت ساخته شدن دیوار خلاف دستور مردم روندراسرا با ایذا خواهد بود

دیگر جانی خانم محلدار چهل و شش ظرف مسی و لبت و پنج ظرف چینی خرد و کلان
و ده ظرف نقره دیگ جوره ازمحل نواب مرحومه در کربلای حسینی آورده محلدار
مسطوره از قادرعلیخان گفت که بدون حکم وزیر الممالک نواب صاحب بهادر اسباب شی
مذکور با صدی امداد نشود خانه مذکور به میرزا حسن کارنده سپرد نمود زبانی نور بخش هرکاره
موقع لوتوع واقعات کوتکشنی دار السلطنه لکهنو خبر کوتکشنی سرای سجاد علیخان
دهها باغبان مع شش کس دیگر ساکن سرای مذکور نوکر مرحوم مکانی صد روپیه
از شخصی با قرار سحرسازی بر فلانی گرفته در جا دو گری معروف بود امروز دو حاضردار
فرستاده فلان رفته باغبان مزبور را زد و کوب نموده گرفتار بردند و بجویی خود آمدنش
ظاهر میکرد که هیچ روپیه منجمله جادو یافته بود دشت ها در آتش هوم سوخت و ده روپیه
که نزد من بود حاضرداران انتزاع کردند زبانی هری هرکاره دیگر پونیا محله دیهی
بر بهانه محمد جان تهانه دار سرای معالیخان ظاهر کرد که امروز دو گهری از روز ماند
منو گندهی ساکن گنره رانی که از یکچشم کم نظر می افتاد و حالت خفقان هم داشت
در چاه که میان دالان واقع بود بیفتاد چون گنگو برادرش از چاه بر آورد نعش
مرده بر آمد خبر کوتکشنی نوازنج فضل حسین نامی ساکن چهاونی گرجی بیگ ظاهر میکند
که مرا یک کنیز کنیشیا نامی قوم اهیر سا که کابلی را خادم حسین بسر سبحانعلی داده است

نقد	اشرفی	هنگه و دو ته	کره نقره دست دبا
ساهو ۵	۷ عدد	۳ عدد	۵ جوڑ
جوڑی نقره	اسباب نقره	بالی طلا	...
۲ عدد			

... و زینب اوری نامی پسر مرتضی خان ساکن مفتی گنج بسبب افتادن دالان بزیر آن

بمرد کویتکش کوته گنج امروز محمد احمد داروغه نعمتخانه دو منزل حویلی خام واقع کنجه کور

یکی از کنیشی کلال بقیمت صد روپیه دوم از اشرف کوله انداز توپخانه کلان

بقیمت یکصد و پنج روپیه بلا خرچ خرید کرده است فقط زبانی لنکا هرکاره دید امروز

حسین بخش پسر عبد الله جاعه دار ساکن کوله گنج یکمنزل حویلی پخته واقع

کنجه کور دست مکا جاعه دار خیاطان بقیمت هفصد روپیه بلا خرچ فروخت نمود فقط

... امام علی خدمتگار وزیر الممالک نواب صاحب بهادر ساکن کوله گنج طاهر سکند

که رمضانو نامی کنیز هست ساله و یک طفلک نامعلوم الاسم نه ساله وزیر الممالک

مراد است فقط ... میر محمد علی نامی ساکن کوله گنج قرابتی وزیر الممالک نواب صاحب بهادر

طاهر سکند که جمعیت نامی جهوکری پانزده ساله را نواب صاحب بهادر مراد داده است فقط

... لودهی خراط ملازم سرکار دولت پایدار و بختاور خراط بی نوکر ساکنان

گولهگنج متصل باروتخانه سامان ساختن توپ کرده اند منظهر از خراطان پرسیدم

که حکم سرکار دولت پایدار هست کرا ضدی در خانه خود سازد شما خلاف حکم کردید

مولچند جائیکه مقام آب روان ناله از قدیم بوده است همانجا دیوار میسازند عرض و ازینجهت
آب ناله بکدام راه خواهد رفت ازینباب ساکنان محله ناراض و دادخواه اند فقط
دیگر دیشب محمد علی و علی محمد زرد دوران ساکنان محبوب کنج مع مرزا جان نوکر خود
سه راس گوسفند از گله شبانی دزدیدند در باغ شخصی بستند العهده داران تهانه
عنبر گنج شنیده آنهر کس را مع آن سه راس گوسفند طلبداشته برتهانه خود
تمام شب نشاندند صبحدم دو روپیه و چهار آنه گرفته واگذاشت و گوسفندها را بشبانی سپرد
دیگر بچو اتره فروش ساکن محبوب کنج و منیا کهاری نوکر خورشید منی دولت افزا
نواب مرحومه مع امیرن دختر خود بخانه لاڈو ما دربچو اندکور واقع محبوب کنج مهمانند
و نیز از بچو اشیائی دارد روزی از کهاری سطور قصوری سرزد و شد خورشید منی
دولت بخشم رفت و گفت که ترا در احاطه راجه درشن سنگه بهادر عالیجنگ
سپرد بستم بر بعضی کهاری روپوش گردید خیراتی وغیره چهار خاصبردار وجراسی
فرستاده خورشید منی دولت تلاشش آمده از لاڈو ما دربچو اگفتند که منیا را
مع دختر او حاضر کن و اسبابش بده این گفتند و اسباب مفصله ذیل از منیا
و دخترش برده بخورشید منی دولت رسانیدند و کهاری مسطور که بخانه بسنی تره فروش
برادر بچو اندکور بود او را هم مع دخترش گرفتار بردند فقط   نقد

بعد یکدم دم رباط کرده باز بر اسب سوار شده روانه خانه شد فقط دیگر

امروز زدوندی چوبدار نوکر نواب مرحومه نزد هنسوی کهاری که سابق نوکر

نواب مرحومه بود رفته یازده روپیه قرضه خود طلب کرد ولی محمد نامی نوکر

صادق علیخان برادر وزیر الممالک نواب صاحب بهادر که با او آشنائی دارد

بحث و تکرار درمیان آورد و دو بانڈی بر عارض و ابروی چپش زد

که خون برآمد چوبدار مذکور نزد صادق علیخان مستغیث رفت فقط لوتن سنگهه نامی

امروز چهار گهری از روز مانده بخانه دینه دیال چودهری لپسری تولد شد فقط

زبانی شیودین هرکاره   میرخان و حسنخان سپاهیان فرستاده علیرضا کوتوال

بر مکان شبیر محمد خان ساکن قندهاری بازار رفته سه تا کنیز را طلب کردند

و گفتند که در خانه تو هستند بیا خود در محکمه چبوتره همراه من شو همین که خان مذکور

گوش کرد گفت که کنیزی در خانه من نیست یکی که بود بخانه جعفر علی کار زنش

وزیر الممالک نواب صاحب بهادر فرستادم حالا یکی هم نیست و هیچ نخواهم رفت معهذا

سپاهیان مذکور یکروپیه گرفته راه خود گرفتند و هیچ تهدید نکردند فقط زبانی رمضان کار

میرن جان نامی عرف لال بیل ساکن گنجه کور ظاهر ساختند که بیابان سبب

کنیز قوم چمار ساکنه جمنا پار راجه درشن سنگهه بهادر غالب جنگ به هزار خواری

ظاهر کردند که از کارخانه در بیست برای جنت آورده ایم فقط زبانی سیوا رام کارپرداز

خبر دیشب پاسی گذشته دزدی در عین بارش دروازه مکان کموجان عهده دار

ساربانان ملازم سرکار دولتمدار کشاده یافته پوشیده در پشت دیگه نشست

جامه داران مذکور در آمده و درکرده بخواب رفت دزد مذکور اسباب مفصله ذیل دزدیده برد

دوشاله الاکهر ۵ دو رقعه — رومال الاکهر ساده دو عار باغ ۵ — دو پته چکه ۵ — دو پته تهه ۵ — دو پته لنگی یک — پایجامه گلبدن

پایجامه چهینت ۵ — چکن چهینت یک — محرم مصالحه دار ۲ عدد — کرتی مصالحه دار ۲ عدد — جوشن نقره ۵ — چهیله ۵ نیمه

خبر نوکشتی اکنیا نامی زنی جوان در تکیه نور علی فقیر که متصل تکیه پیر جلیل

واقع است نشسته بود ما مظهران پرسیدیم که تو کیستی و از کجا آمده ظاهر کرد

که من ساکنه سکرورام روزی فیمابین شوهر من قضیه و فسادی روداد

من از خانه برآمدم میان راه رمضان نامی فقیر چیله نور علی مذکور گدائی کنان

میرفت من او را دیدم و همراهش شدم یکماه بگدائی بسر بردم و از یکماه تکیه او

رسیدم فقط زبانی روشن و امام بخش هرکاره ها امروز وقت شام یک صاحب عجمی

انگریز که در مکان بالشن صاحب فروکش است برای کسب هوا بر سواری اسپ

جانب شهر میرفت ناگاه متصل مسجد منو خان معمار از اسپ بیفتاد مرتضی خان

نامی ساکن بنگاله که از آن راه راهی بود دستش گرفته یک عدد گردانیدند بعد

که بدهوا تره فروش ساکن جبالی کنج دکان ندارد کاکین امام بخش ککر نزد دهرمی

جغرات فروش ساکن انجا ظاهر ساخت که من یک فلس را دو فلس و یک روپیه را

دو روپیه میسازم بلکه این طلسم باو بنمود و گفت که هرچه اسباب نزد تو باشد

بیار تا دو چند کنم دهرمی مذکور اسباب مفصله ذیل خود را به بدهوا مذکور حواله نمود

بدهوا اسطور یک پوٹلی اسباب بسته و یک پوٹلی آرد در آن دو پاره چوب هم کرد

بسته در کوٹهری دکان او زمین کنده نهاد و در کوٹهری قفل زده و کلید

اسبابش گرفته گفته رفت که بعد چهار روز از زمین برون باید ساخت

امروز دهرمی مذکور پوٹلی را از زمین براورد پوٹلی آرد برامد دهرمی فریب را از بدهوا

نامی برادرش گفت که برادر تو مرا دم داده اسباب را برد ترا دادن خواهد افتاد

حیثیت نقره	شدنیه نقره	اورنه طلا	جوڑی نقره	نقد
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

خبر کوتاکشتی سوت هتهی تبارک الله نامی وکیل عدالتین و کچهری در رد دولت

فلک رفعت انتظام قاضی تراب علی ساکن جهبی ٹوله ظاهر میکند

که یک کنیز سکهیا نامی نوجوان را راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ

مراد اده است فقط زبانی کالکا کار دیگر حمیده خانم ساکنه کهانگری ٹوله

ظاهر میکند که خواهر من که بخانه ظفر الدوله بهادر نوکر است از خانه بهادر مذکور

و د شنخواری مرا داده است هند اکنیز مسطوره را در خانه خود آورده ام فقط دیگر
امروز شخصی صاحب دین نامی طفلک هشت ساله را که از نسبت پرشاد سنگه
خاصه دار همراهی راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ است بدم و دلاسا
در ناله سوت هتی برده یک جوری کره نقره قیمتی ده روپیه از دستش برآورده
و طفلک را گذاشته راه خود گرفت فقط دیگر امروز منگلوا کاه فروش یک
هنسلی نقره قیمتی سه روپیه از گلوی سوبها طفلک بچه ساله پسر توتو لقال برآورده
در ته انبار کاه مخفی داشت پدر از پسر خود پرسید که هنسلی را چه کردی
گفت که منگلوا برده است بر شنیدن پدرش منگلوا را گرفتار کرد الگاه منگلوا گفت
که از گلویش افتاده بود من در کاه داشته ام همراه پدرش از کاه برآورده
گفت خیر فقط [illegible] امروز جانکی کهاری همراهی مکهن ساکنه خیالی گنج ظاهر کرد
که از چهار روز من بر نوکری رفته بودم دی وقت شام بخانه خود آمدم دیدم
که اسباب من از کوتهری مقفل گم شده است چون از قدرت علی اشنایش
و ام من نوکر او که در خانه او میماند دیر رسیده شد انهر و انکار میکنند
و کهاری مسطوره میگوید که اشتباه اسباب من برین ها برده میرود چرا که قفل مکان
مسدود است و نه از طرفی سراغ نقب معلوم میشود فقط دیگر عرصه چهار روز شد که

معروف سابقه داشت پریروز خود بخود آمده در مکان آغا دوله تعیین شد امروز
دو اشوهرش مردم روند چنی لال مهتم را همراه آورده طلب زن خود کرد آغا دوله
زنش را نداد شوهرش و مردم روند برگشته رفتند فقط دیگر روزی گوپال نامی برهمن
ساکن فیض آباد از طرف بازار سیان الماس علیخان متوفی گذر کرد و زیرن نامی
طوایف ساکنه بازار مذکور را بیمار دید چیزی براو دم کرد که صحت یافت و از بهای درمانی
حلوای که پیش مکان طوایف سطور دکان او دست یک روپیه را شیرینی خرید بعد
دو چهار روز آمده از حلوای مذکور بیست و پنج روپیه که امانت داشته بود طلب کرد
حلوای انکار آورد لهذا روزی برهمن مذکور نزد وزیرن نامی طوایف بینی زرین
ساکنه بیرنجا را آمده یک روپیه داده شب باش شده بود امروز تعیین سکه والانی
خاص بردار همراهی را به درشن سکه بهادر غالب جنگ را همراه خود آورده
حلوای مذکور را مع وزیرن طوایف بدعوی چهل روپیه امانت گرفتار کرده برد فقط
دیگر از دیروز میر حسین زنانه ساکن لکهن بازار مسماة چیکی بیست ساله قوم کاذر
که ساکنه متصل امام باڑه آغا باقر ست از صندل دار و غیره متوفی که یک صد
و هفتاد روپیه داده در مکان خود نوکر کنانید فقط [illegible]
واقع از روی دریا دو ساله میگذرد که شیبولال نامی قوم کورمی مهیا نامی

یک کنیز بندی نامی نوجوان بخانه من فرستاده است فقط دیگر سند بابی نامی

غلام باب الله چوبدار ملازم سرکار دولت پایدار برادری پیر دهه شهر نامه

همه را از پیر بسر کشید فتح الله چوبدار ملازم سرکار دولت مدار برادری غلام حیدر

بیر دهه که متصل مکانش میباشد مانع آمد بر سر بحث دیگر از غلام مذکور منع از

مکان آورده بر فتح الله کشید فتح الله دروازه خود را بند نموده در مکان خود

بنشست درین اثنا چوگیا محله داری اینحال دید از میر منو تهانه دار سوت های

ظاهر کرد تهانه دار بندی دین وغیره پنج کس را فرستاده غلام را گرفتار طلبداشته

مع فتح الله چوبدار نزد علیرضا بیک کوتوال فرستاد فقط گومتی [illegible] جو نامی

امروز تکوا نامی چوڑی فروش با دختر وفاتن نام که ده ساله است وصیت کرده درگذشت

که وقتی که بمیرم مرا در امام باره من دفن باید کنانید بر وقت دفنش جواهر لال مهاجن که متصل

مکانش میباشد دعوی قرضه یکصد و بست و پنج روپیه خود نموده از دفن کردنش مانع شد مردم برادری

چوڑی فروش مذکور مجتمع شده در امام باره دفن کردند و باظهار اهل محله بست و پنج روپیه کلهم

از مهاجن مذکور ذمه او ثابت گردید فقط زبانی نرائن هرکاره دیگر آغا دوله پسر میرزا علی عباس

قرابتی مظفر حسین خان ساکن بستی نور باکهات که از سه روز مکانی در باغ مهانرائن

بکرایه گرفته فروکش است و هم باکهاری زن ڈلوا کهار ساکن حسین گنج که معرفت

زبانی بسنت هرکاره خبرنویس منشی مهدی گنج برتهی بوپاری ساکن مدار پور متعلقه
باری هشتاد و سه راس برکاو محموله گندم وغیره برای فروخت در گنجه کور آورد
گهراؤ وسنگها تهانیان گنج مزبور صد و سه روپیه را گندم بنرخ ارزان خریده خود
دست دیگران گران میفروشند و نوبت خریداری دیگران نرسید آمد رفت صورت
نقصان رعایای سرکار گردید فقط زبانی بگلاهر کاره دیگر امروز مسمی کلمن اقوام
ساکن پوره دهنی خان متوفی نزد للا سنگه تهانه دار متصل کربلای حسینی امیر
ظاهر کرد که دی شب من در پنجایت رفته بودم شخصی از دیوار جسته آمده
تهالی وغیره ظروف پتیل شش عدد و شش روپیه نقد از آن من از علاقه علی رضا
کوتوال دزدیده برد فقط خبرنویس گمشتی ... هرکاره دیگر امروز مسکل خان برجیاسی
همرسه حاجی حسین علی جماعه دار برجیاسیان و قرابتی آغا جان باسینی
کماری زن خود که همراهی دهنو مهری است گفت که تو بخانه آشنایان خود میباشی
و نان من نمی پزی زنش گفت که تحقیق کن که از کدام آشنائی دارم بر سر معنی
فیمابین زن و شوهر مناقشه و قضایا بمیان آمد مسکل خان مذکور کاردی گرفته
خواست که بر گلوی خود براند درین اثنا وزیران نامی دختر کشن که ۹ ساله
است کارد را از وی انتزاع کرد و وقت انتزاع آب کارد در انگشتان

زن برادر کلان متوفای خود را طلوره ها منچه در خانه خود داشته بود امروز
زن سطوره با شبولال مذکور گفت که چهار روپیه از آن من تو در نزد پیچ
شبولال گفت که روغن در کراهی گرم میکنم و دو روپیه در کراهی
می اندازم اگر روپیه ها را برآوری و دستت را آسیبی نرسد آن زمان
البته خواهم داد این بگفت و چنین کرد زن سطوره بخوف و خطر دست در
کراهی انداخته روپیه ها را برآورده گرفت و دستش را صدمه نرسید
اینخبر شهره گرفت برشنغی رمضانی چپراسی چبوتره کلان آنهر دو را نزد
تهانه دار کنجمد کور گرفتار برد تهانه دار مذکور ضامنی گرفته رها کرد فقط زبانی اظهار
خبر نویسی ام کیخ امروز دولتی نامی زنی فرقه غربیان از تهانه محمد الدین تهانه دار
جلوخانه قدیم گریزان و هراسان میرفت تهانه دار پرسیدش گفت که من ساکنه
آمروی چمن بودم با فرقه غربیان در این دیار رسیدم روزی بردروازه شخصی
گدائی کنان رفتم آن شخص که از نام و محله اش خبر ندارم مرا اندرون طلبید بیرون
برامدن نداد امروز فرصت یافته برامدم چون در بغلش دیده شد نیم تهان سوسی
و یک فرد چیت و دو چوری نقره و یک انگشتری نقره و نقد دو روپیه و نوزده تنکه
برامد تهانه دار او را مع اسباب در چبوتره کلان نزد علیرضا کوتوال فرستاد فقط زبانی

بمود زبانی رام سنگه هرکاره خیر کو تکشی فرنگی محل الهی جان طوایف ساکنه

متصل چهته حسن رضا خان متوفی بیاری نامی کنیز مبیت و دو ساله ساکن

پرونجات را از عرصه هفت روز در خانه خود برنا ن و پارچه داشته است فقط

زبانی لچهمن هرکاره دیگر میر حسن مع رستم علی وغیره دو چپراسی دیوان انعام باد سامی

وحسن خان وغیره دو چوبدار ملازم سرکار دولت پایدار و نیز این سنگه

خاصبردار ملازم سرکار والا هرایی راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ

بر مکان شیخ فاضل ساکن نالهکی خانه آمده شیخ مذکور را مع یک سواری

زنانه و کسی دیگر قرابتی همراه خود برد و رستم علی چپراسی و نیز این سنگه

وغیره دو خاصبردار را بر مکانش تعین کرده رفت فقط زبانی لچهمن کلان و لچهمن خورد هرکاره ها

دیگر عشق لال نامی قرابتی رنجیت سنگه راجه لاهور باده کس وارد این دیار

گردیده در مکان کریم بخش آتشباز واقع پل قصاب بکرایه هفت روپیه در ماهه

فروکش گشته است فقط دیگر بنو طوایف نوچی چبلن ساکنه فرنگی محل بر

چبوتره دروازه خود دو ستون قایم کرده سقف انباشت و بر این سقف

چهجه خلاف معمول که کاهی نه ساخته بود برآورد که راه آمد و رفت فیل مسدود

گردید و برآمده مکانش نزدیک برآمده مکان حافظ بخشو رسید اگر

بنصر و وسطی و سبابه دست چپ اثر کوبده کرده اند کی خون برامد بحث سکنه تهانه دار

این ماجرا شنیده زن و شوهر را گرفتار در چبوتره کلان نزد علیرضا کوتوال فرستاد

زبانی سدهاری هرکاره خبر گو تکشی سعادت گنج خرد واقع آنروی دریا امروز

راجه مادهو سنگه سوای مع میر امداد علی مظهر کرده بنشند مین صحن امام باره

فوجدار خان متوفی ذخیره شربت آمده برای برامدن شربت پانزده

بیلدار مقرر کرده کنده بمقدار سه دو و دو نیمه درعه خندق نموده لیکن تا حال

بر نیامده فقط زبانی پران هرکاره خبر گو تکشی دست گنج چهوتانی بیوپاری

ساکن موضع بهره علاقه کبیر سنگه کوتوال نزد چوکی کشور مصدی

آمده ظاهر کرد که من برای آب تاختن رفته بودم شخصی اسباب مفصله ذیل من

که در یک گٹهری بود دزدیده برد متصدی مذکور شنیده خاموش ماند هیچ

تدارکش نکرد و بیوپاری دهای کنان میرفت و میگفت که روز روشن شب تاریک است

تاهم مطلقا سماعت ننمود فقط زبانی جگن هرکاره

نقد	مرادسی	لوبه برنجی	[illegible]	انگوچه	ارد
سعه	[illegible]	تک	تک	تک	[illegible]

خبر گو تکشی چکله مهاجنان امروز که بیستم ربیع الثانی سنه ۱۲۵۰ هجری است قریب پاس

روز مانده گنگارام برادر جگناتهه مهاجن که بعارضه درد زانو مبتلا بود قضا نمود

که بخانه حکیم مذکور کنیزان هم اند آمده خانه تلاشی کردند عندالتلاش دیگر کنیز
یکی مسیلی دوم گنبد یا برامد کهاریان انها را گرفتار کردند فقط

نقد ... روپیه ... ساله پاکانه کلس ... باکانه گلبند ساله تهان ... پارچه ...

دیگر امروز احمد نامی مغل ساکن دلالی توله متصل فرنگی محل ظاهر ساخت که من
دی پاسی از روز مانده برای کاری رفته بودم قریب شام که بخانه باز آمدم
قفل بیرون در راکشاده اندرون مکان رفته دیدم که اسباب من ناشناختن
بانشان افتاده است چون جا بجا کردم اسباب مفصل ذیل از علاقه علیرضا کوتوال
نیافتم و بربام رفته دریچه شامل مکان عنایت علی نامی مسلمان دیده
اظهار آن نزد معصوم علی تهانه دار رسانده وی غازی کرد تهانه دار مذکور عنایت علی
گرفتار در حوزه کلان روان ساخت فقط

امر ... نقد ... تهانه ... پاکانه گلبند ... جمله نقره ...

دیگر امروز مسماة کوپا کهنرانی ساکنه پوره توله مکان خود قفل زده خانه
مردم برادری واقع قد سبه کنج رفته بود دزدی پیش از رفتن او در
برون تهه او خفیه ماند و اسباب مفصل ذیل او دزدید قریب شام کهنرانی مسطوره
آمد قفل مکان راکشاده دیده ماندم که سایه مردم دید شور و غل سر کرد

طفلکی خواهد از برامده اش در مکان آن برود و هم چه خواهد دزدیده برد
زبانی حسینی هرکاره و دیگر حکیم مهدی ساکن جوهری محله ظاهر کرد که امشب شخصی
اسباب من که بیش قیمت و بیش بهاست چه از نقد و چه از جنس دزدیده برد
و در حقیقت از مال مسروقه زیاده تر در کیفیت تفصیل نوشته داده بود
چنی لال مهتمم روند و معصوم علی تهانه دار منشودی غازی پر مکانش آمده
تحقیقاتش نمودند امیرن زن احسان که بخانه حکیم مذکور میماند از و استفسار کرده
و گفتند که شوهر تو کجاست امیرن گفت که بموسی باغ رفته است تهانه دار
بحکم سنگه سپاهی همراهی خود را فرستاده طلب داشته از شوهرش پرسید الکار نمود
وقت تهدید شدید امیرن مسطور گفت که شوهرش را چراغ چشم میانی
عبد الله پسر حکیم مذکور دزدیده برده است همراه من بیا نشان دهم تهانه دار
و مهتمم روند و هرکاره های کوتکشی وغیره همراهش رفته و دیدند اسباب که
مفصل ذیل برآمد گرفته عبد الله و احسان و امیرن و امیر علی نوکر امیر علی را که
امیر علی مسطور صُرّه مبلغان را نزد حکیم مذکور امانت داشته بود گرفتار بر در دولت
فلک رفعت بردند و عبدو و ظهورن دو کهاری همراهی شیو دین جراسی
همراهی راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ حسب اظهار تهانه دار وغیره گر

زن شانزده ساله برای خدمت و پنجاه روپیه برای خرج با دزد خود ده روز
است که از شاهجهان آباد فرستاده است امروز پیرخان خاص بردار
فرستاده علیرضا کوتوال بطلب کریمن مسطوره آمد راحت علی نامی ماموی
کالیخان نزد کوتوال رفته بضمانت معتبر خانه خود آمد فقط خوابانی قاسم نگاره
دیگر عرصه سه روز است که مسماة مسکن نجانه بهوانی گلخن افروز ساکن احاطه محمد علی خان
در آمده اسباب مفصله ذیل دزدیده برده بود امروز عمرخان تهانه دار گنج
خرد از اظهار گلخن افروز مع سه سپاهی آمد مسماة مسطوره را بر دروازه استاده
دید گفت که گرفتار سازید همین ساعت است بزنجعی مسماة مسطوره بر قول
انگشت قبول بر دیده نهاده اسباب مسروقه از خانه خود بر آورده داد تهانه دار
بهوانی و مسکن را مع اسباب نزد علیرضا کوتوال فرستاد فقط

کنگن طلا	انگشتری نقره	تعویذ نقره	نقد روپیه
یک	سه عدد	یک	یک باب

دیگر نهال نامی قوم اهیر ساکن تکت گنج قدیم متعلقه قدسیه گنج وقت زوال
در رکاب گنج قدیم آمده قیمت نخود ها از غله فروشان دریافته از آنجا راهی شد
چند قدم نرفته بود که بدنش بلغزید زیر درخت نیم قیام گرفت و سر فرو کرد
دو کف آب و دو کف خون بر آمد و پا دراز نموده بمرد دنیا نامی برادر خرد نس

مردم محله گرد آمده دزد مسطور را گرفتار کردند امیر خان تهانه دار بادلی هیناباراد

دزد را مع اسباب در چبوتره کلان گرفتار روان نمود فقط

کره نقره یک — زنجیر نقره سه عدد — کلاب یک — پاکسی نقره — گهنی پهول یک

خبر کوتوالی شهر چبوتره گنج سلیمان نامی مطرب ساکن تهوی توله ظاهر ساخت که جواد علی پدرش یک کنیز مگری نامی بیست و دو ساله را از طرف بنارس آورده است فقط

زبانی کور بخش هرکاره خبر کوتوالی رکاب قدیم امروز روپا نامی سارق ساکن بیرونجات بردکان اوسیری آهن فروش آمده دو نیمه سر آهن دزدیده میبرد

آهن فروش مذکور شور و غوغا برپا کرد ولایت خان تهانه دار گنج مذکور کوشش کرده سارق مسطور را گرفتار نمود و در چبوتره کلان نزد علیرضا کوتوال فرستاد زبانی مهار کاره

خیراتی خاکروب ساکن اصطبل جابر باغ باشمرتی نامی خواهر زن خود که سی ساله است حرامکاری کرد سماة سکهنی زن خیراتی مذکور بچشم خود دیده شور و غوغا سر نمود مدرا نامی شوهر شمرتی مسطوره نزد جهاو داروغه خبر داده شد و بی که از طرف علیرضا کوتوال متعین است خیراتی مسطور و سمرتی خواهر زن او را در چبوتره کلان نزد کوتوال مزبور فرستاد فقط دیگر کالیخان نامی پسر امامی خانم ساکنه اصطبل جابر باغ که در شاهجهان آباد نوکر است کرمن نامی زن

از دست نوکرش طلبداشته مع نوکرش و جوسن و شیودین فعلی و فعلی
ساکن انجا را که اشنای او اند گرفتار در چبوتره کلان برد فقط دیگر
نهال محله دار از هرچرن کوتوال چبوتره فتح گنج که از طرف عاشق علی مستاجر
خاص بازار مقرر است ظاهر کرد که بهگر با زن دوازده ساله کلو عصار سکنه
گنجد کور با خوشحلیا زن شیولال که با موی بهگر با مسطور است بعلت سرقه
فلس با هم مناقشه میدارند کوتوال مذکور را هر دو را در چبوتره گنجد کور طلبداشته
اظهار گرفت بهگر با مسطور ظاهر نمود که خوشحلیا مرا تهمت دزدی فلس مینماید
من انکار میکنم بر بنیعنی خوشحلیا مسطور تابه را گرم ساخته گفت که قسم خور
و دست بر تابه بگذار لیکن او منع شیولال شوهرش که با موی من است مانده ام
کوتوال مسطور خوشحلیا را بگذاشت و بهگر با و شیولال با موی او را نزد عاشق علی مذکور فرستاد
دیگر محمد علی مصور متصل باغ بنداین واقع بازار چهاولال طرح باغ دارا ضمی
موضع کرتری متصل سبزی منگر کناره کهوه بطول چهل درعه بعرض شانزده درعه
انداخته است و ظاهر میکند که من قطعه را از بهیالال زمیندار موضع مسطور گرفته ام
چون مناهر کاره کوتکشی پرسید که چگونه گرفته و بچه قیمت خریده حال آن ظاهر نکرد
دیگر امروز مسماة ممی لاوارثه پنجاه ساله که بخانه حیدری روشن جوکی نواز

خبر این دریافت آمده بجانه برداشته برد فقط دیگر قاسم علی نامی متحده ساله
لاوارث یک گتهری پارچه در دست گرفته از طرف خانه گنگا تنبولی ساکن
رکاب گنج خورد گذر کرد گنگیا نامی زن تنبولی مسطوره را دیده و هموطن خود
گرفته خانه پدر زن تنبولی در مانکپور است دانسته گتهری پارچه را بتفصیل ذیل سپرد او
خفت و خود تا به کڈهیا واقع عقب تهری بازار رفته غرقاب شد و مرد
والله یعلم که از کدام رو غرق گردید و جاندادیورن وغیره پنج و شش بودها
ساکنان انجا اورا از کڈهیا برآورده بر لب کڈهیا انداخته اند فقط

دهوتی نو دهنکهه	انگرکهه گاڑهه	ماکاپه کارهه	کهیس کهنه	مرادب	
ے	۶	یک	یک	۱۱	/

دیگر امروز نامی نظرباز فرستاده علیرضا کوتوال در مکان گنگا دین برجباسیه
ساکن اصطبل چارباغ که از دیروز در چبوتره کلان مقید است آمده خانه بلاسی
مسماة لروئی جوسن اشنای او گرفت چون هیچ نیافت خانه بلاشی مادر
گنگا دین که عقب آن مکان میماند کرد انجاهم هیچ ندید درین اثنا شخصی
با نظرباز گفت که اسباب جوسن مسطوره مادر مزبوره او نزد سونیا زن جلال
نقال شوسفی ساکن انجا عوض چهل و هشت روپیه در گرو است نظرباز مذکور
نجهنی نوکرش را طلبیداشته پرسیدش گفت که آری نظرباز مذکور اسباب را از

شهره مذکور گفت که در دو دکان برادران من میمانند از من سروکار نیست

کوتوال مذکور سماعت نکرده دو روپیه بجبر و خلاف معمول از شهره مذکور گرفته

گفت که هر جا که خواه نالش کن فقط خبر کو تکمشنی فیستیح گنج سیوا سنگه

و لالا سنگه وغیره پنج سپاهی همراهی آغا میرزا محصل تحصیل دهات در گنجه مذکور

آمده از دهرم داس و رام پرشاد چودهریان گنجه مذکور گفتند که شنیده ایم که

درین گنج دختران فروخت شده اند از انان نشان دهید چودهریان

گفتند که ما را معلوم نیست بر همین جواب دادند که خبر این حال تا برادر [illegible] سنگه

غالب جنگ رسیده در انجا رفته جواب دهی کند چودهریان گفتند که ما چرا روم

انانکه خرید کرده اند از انان جواب بپرسید باز گفتند که از نام های انها خرید

از انان نام های مشتریان بتفصیل ذیل باز کردند و نیز ظاهر که از قباله مهر

شیخ باد الله سوداگر خرید شده اند سپاهیان هر یک کاغذ نامهای مشتریان

نویسنده دار چودهریان دستخط کنانیده بردند فقط زبانی ما کنین بر [illegible]

احمد حسین سوار رساله	شیخ باد الله سوداگر گنجه	بنده علی خان سوار رساله	ابراهیم بیگ سوار رساله
عبد الباقی خان قندهاری		کوشنین بردوبست	عبد اللطیف خان قندهاری
۲ کنیز	یک کنیز و یک غلام	۵ کنیز	[illegible] کنیز

دیگر دایم نامی طفلک چهارده ساله نوکر رحمت الله ساکن کوله گنج که خدمتگار اعظم علی

واقع ثلیث کنج میماند برای رفع حاجت بر کهوا رفت پایش بلغزید در
کهوا ابفتاد و بمرد حیدری مذکور این ماجرا شنیده اورا از کهوه برآورده
در تکیه که متصل کنجهد گور واقع است دفن نمود و دو روپیه که از کمرش برآمد
و چند مرادی از نزد خود تجهیز و تکفینش کرد فقط کوتکرتی سالار بخش
و فتح خان خاصبرداران همراهی راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ مع
غفور او جهان هرکاره های کچهری اربابان نظر فرستاده بهوانی خواص نزد ملکه
طوایف ساکنه فیض آباد که در نکاح مرزا مهدی ساکن کتره تراب خان است
آمده گفتند که ملکه را سوار کرده همراه من کن مرزا مذکور گفت که طوایف در نکاح
من است الا من سپردم این بگفت و همراه هرکاره ها و خاصبرداران نزد بهوانی خواص
رفت بهوانی مذکور سخت و درشت گفت و گفت که مرا حکم وزیر الممالک نواب صاحب بهادر
است مطلقا نخواهم شنید این بگفت و مرزا مذکور را قید نمود و عاشق علی مستاجر
چبوتره خاص بازار و خاصبرداران ملکه مسطوره را سوار کرده بردند فقط دیگر امروز زبانی هرکاره‌ها
محمد خان کوتوال کنج خوشحالی شهر ساکن کنجهد گور را که یک دکان از شیو لال برهمن
ساکن آنجا بدو روپیه کرایه گرفته است طلبداشته در چبوتره کنجهد گور نشانید
و گفت که سر دکان چهار آنه ماهیانه مع دو دکان دیگر که ملکیت او است سپرده باشد

را مرادی در شمار کم آمد مسماة مذکور از نوداهی و غیره چهار پاسبان گفت که
در پاسبانی شما بودن شان بدهید و گرنه بضرب و خورد بسیار رامی خواهند شد
قبول پاسبانان
این گفت و در حال قید نمودند گفتند پاسبانان مذکور در حال قید قبول نمودند
و گفتند که ذمه ما ست ادا خواهیم ساخت فقط دیگر امروز مسماة بیاری قوم ام
ساکنه کانپور از طرف تهانه مهاراج سنگه تهانه دار نوشته که بر اثر رفت
تهانه دار مذکور بیاری مسطوره را گرفتار کرده به تهانه خود نشانیده استفسار
کرد گفت که امیر بیگ ساکن کتره نواب خان مرا از کانپور همراه خود آورده
به دست امامی خانم ساکنه کهوکهی ټوله مع مهاراجیا دخترش که منفعت سه ساله
هر یکی را بقیمت پنجاه روپیه فروخت امروز امامی خانم مسطوره قیمت خرید منظوره
که پنجاه روپیه می شود باو نداده مرا انجا نه بابیع فرستاده من میان راه از دولی
برجسته گریزان میرفتم تهانه دار مهاراجیا را طلبیده اشته انهر دو را در چبوتره کلان
نزد بک علی رضا کوتوال فرستاد کوتوال مذکور مقید داشت فقط دیگر سنبو رام موت
که فرد کش مکان اهل بهاری کاتهه ساکن اشرف اباد است دو ضرب کارد
یکی در میان سینه و دوم زیر قفا متصل مهره پشت سیتا رام بقال ساکن مبارک گنج را
در میان راه کوچه اشرف اباد زده گریخته رفت لطف حسین تهانه دار اهل بهاری

کارنده آغا میرمشوقی نوشت مع کلو نامی آلفته در سرای گنجه کورفروش کردید

الف بیک وغیره سواران متعینه آنجا همراهی عبدالباقی خان قندهاری اورا دیدند

و تلاشی کرفتند اسباب بتفصیل ذیل که برآمد در چبوتره گذاشت وطفلک را متعرض داشت فقط

دو پرده تنک یک	چلمن کاب یک	پاجامه ساده یک	پاجامه آتشی یک	پاجامه مشروع زرد یک	روپال اناری یک
دو پرده تنک قلمدانی	ازار چهار خانه	انکرکهه ساده یک	دوصلیچه ساده یک		

خبر کوتکسی شاه گنج نشان یک طوایف ساکنه نخاس ظاهر میکند که دو کنیزکی هر کور یا یکی هفت ساله

قوم لونیا دوم دو بیاده ساله قوم چاری را لشکری نامی نوکر من ازطرف

جمنا پار بقیمت شصت روپیه خرید آورده است فقط زبانی بهوانی هرکاره ... نورن

نامی طوایف ساکنه سرای نبی جی ظاهر میکند که شبراتی نامی نوکر من دو کنیز یکی

بچیا هفت ساله دوم ملیا شش ساله را از طرف کوالیار بقیمت شصت روپیه خریده

آورده است فقط ... بهو نا محله دار نزد حسن علی تهانه دار نوشته آمده ظاهر کرد

که بخانه حسینی خانم ساکنه نوبسته دو کنیزکی مکی ده ساله دوم رنیا یازده ساله

از دو روز آمده اند تهانه دار ایشان هر دو را طلبداشته در چبوتره کلان نزد علیرضا

کوتوال فرستاد فقط دیگر موهن لال کارنده دیند یال چودهری منادی چبوتره

مبارک گنج شمار روپیه های غولک نمود دست و پنج روپیه نقد و هشت روپیه و شش آنه

چوب سنڈوی کنجه گور سونیا نامی چهوکری قریب نه ساله فرقه غریبان را از
بکماه بربان دبارچه خانه خود داشته بود دیروز وارث علی نایب صفدر علی
کوتوال گنجه گور زبانی منسا محله دار شنیده سونیا مسطوره را مع راکشن نزنه اش
که روبروی مکان هیرم فروش مذکور بهماند طلب داشته درچبوتره کنجه گور رسید نمود فقط
دیگر امروز منصور علی نامی برصفدر علی کوتوال سعادت گنج وحسینی داروغه چهاپه گرده
شده آمده ظاهر کرد گرا آتوجی محل نواب مرحومه فرستاده است فقط دیگر میتی
حلوای ساکن فاضل نگر ظاهر میکند که زن دهنو کنبڈ ساری ستوفی ساکنه سعادت گنج
از هوانی وغیره پنج کس درگا نامی پسر هفده ساله مرا جادو کنانیده بجان هلاک ساخت
واینهمه از این امرانکار مینزند لهذا امید نامی برادر درگا لاشش را گذاشته بر
در دولت فلک رفعت مستغیث شده است فقط زبانی بینی ہرکاره دیگر بریتقال
ساکن بادلی حسن گنج ظاهر میکند که امشب شخصی از عقب مکان من در آمده
یک بتوی پهول ویک لوٹه پیتل وسه تا دهوتی ازان من ویک دوپته دوا
وهشت تنکه مرادی وبانک نقره بوزن یکنیم روپیه ودو توری نقره بوزن یکروپیه
ودوازده کنتهی نقره بوزن یکروپیه ازان رامانندی زرگر که سقفش بسقف
مکان من پیوسته است دزدیده برد فقط [illegible] ده روز میگذرد که خوشحال نامی ساکن

طلبداشته در چبوتره کلان نزد علیرضا کوتوال فرستاد فقط زبانی رام سنگه هرکاره

خبر گولمشتی ... تم نگر عرصه چهار ماه است که دینا نامی برادر زن نبی بخش ساکن نگر

مذکور از موضع بهتوا علاقه بجنور زینت نامی زن سی ساله مع غلام رضا طفلک نبی بخش

آورده نبی بخش زن خود را داده بود نبی بخش هر روز طفلک را زد و کوب مینمود

و داغ و گل بر بدنش مینهاد امروز طفلک بضرب و خورد بسیار مرد حسن بیگ تهانه دار

بازار اسیح خان زبانی ... محله دار شنیده نبی بخش و زینت را گرفتار کرده در چبوتره

کلان نزد علیرضا کوتوال فرستاد فقط زبانی گنگا هرکاره دیگر امروز دختر قاسم علی پسر

مدارالدوله ساکن کاشمیری محله را علی حسن نامی فرستاده راجه درسن سنگه بهادر

غالب جنگ آمد بسواری کهر کهره مع هشت ڈولی دیگر همراه خود برد فقط

کوگلمشتی ... تیخ سنبار ... خدابخش نامی مغل ساکن لاهور یکراس اسب نقره

برای نذر بندگان قبله عالم و عالمیان آورده بود سالیس اسپ در سرای محمد گوهر

از عرصه هشت روز بسبب اسپ و مغل بسبب ممانعت شان خان تهانه دار بیرون تا که

قیام گرفته است ظاهر میکند که اسپ اگر پسند افتد در اصطبل خاص بندگان قبله عالم

و عالمیان مینج دوز شود و گرنه برای چهی نکاسی حکم محکم صادر گردد تا اورا جای

دیگر ببرم فقط زبانی پرشادی هرکاره دیگر عظیم الله هیزم فروش ساکن چوب منڈی

اننت رام و سنت لال گماشته کشن کارنده سمینت خواجه سرا از کالجی نامی
عم کارنده مذکور حال دیوره‌ی مریم مکانی هر روزه در بافته ظاهر سیبا زند و
بهولا سنگه وغیره سپاهی همراهی جیا سنگه تمندار که بر مکان کشن کارنده
مذکور که واقع قدسیه گنج است در اطاعت و تابعداری کارنده مذکور
مستعد مانده بخانه او سمانند فقط زبانی کور بخش هرکاره خبر دیوره‌ی [illegible]
دی شب دو ساعت مانده بر دیوره‌ی نواب افتخار الزمانی مریم مکانی جناب بیگم
رام طلها مسماة دودیا وغیره چهار کهاری ملازم جناب ممدوحه زنی انایی
مسمی نفیر پسر سید سلطان چیله جناب ممدوحه را از مکان سکونت
خواصان واقع محل آورده از زمرد در باری شعبنه دیوره‌ی موصوف ظاهر کردند
که این زن را که حامله است و در مکان سکونت خواصان سطور نزد زوجه
سید مذکور بود در وزه شد لهذا او را در بنگله چوبی اقامت کهاریان ملازم
جناب واقع صحن اندرون شیر دروازه خواهیم برد زمرد باتفاق دودیا وغیره
او را در بنگله مذکور برد امروز ساعتی از روز برآمده پسر زائید دو ساعت از روز
برآمده زمرد بگفته نزهت خواجه سرا او را مع پسرش بسواری ڈولی
بخانه او واقع فرنگی محل فرستاد او بگفت که نام من کا مرد است زبانی پورن هرکاره

بهتو سبے متعلقه بر تاب کنج نخاته پنجم نامی ماموی خود که ساکن عالم نگر متعلقه
کاکوری ست فروکش گردید و امشب نخاته بهاکو بوده ساکن انجا که مکانش
ملحق بمکان پنجم ست دخانوی خوشحال در کوری ست رفت و قت شب نان را
خورده تا پهر رامع یک پهر پی از آن زن بهاکو با طمینان تمام در دید و زن بهاکو
که گندم برای سائیدن از جائی آورده بود در یک چادر بسته بالای بام رفته بسته
گندم را تکیه ساخت و نجواب رفت دو ساعت از شب مانده زنش گندم را جست
نیافت واویلا سر کرد چون صبح شد بهاکو مسطور بالا رفته دید باشتباه آنکه دزد است
شور و غل بر پا نمود کنهی مسا جر عالم نگر مع دو سه کس آمده خوشحال را مع پنجم ماموی او
بگرفتار برد و از پنجم دو روپیه جرمانه بعلت قیام مکان گرفته رها کرد و خوشحال را مقید داشت
موقع بوقوع واقعات متفرق خبر ... ... نبسے وغیره سه کس مندی کے آگره را برس
بسبب جنبش جولان دریای شان پدیدار کرده بود جیا سنگه و مناسنگه پسران
از راجه درشن سنگه بهادر غالب جنگ حکم یافته یکیک پای شان از حوالات آهنی برآورد
زبانی لهرک سین هرکاره خبر دیوه هی امیر علی امروز امیر علی برادر تاج محل شکهه نال
کار زر دوزی بدست دیاو چندی مهاجن ساکنان اسمعل گنج معرفت خدا بخش
نوکر خود بقیمت دو صد روپیه فروخت فقط زبانی مرلی هرکاره خبر گشت بندهٔ اننت رام

داد خواد است فقط زبانی شبر علی هرکاره خبر دیوره‌ی محترم خواجه سرا امروز گرد
چپراسی فرستاده بیگم صاحبه نزد محترم خواجه سرا آمده گفت که مکانی که
از آن من متصل برج بلبل واقع است خالی کرده دهد خواجه سرا گفت که مکان
من است چگونه خالی کنم چپراسی مذکور گفت که دو هزار روپیه یافته خواجه سرا
جواب داد که من یک خرمهره نیافته ام در کاغذ دیده شود که مبلغ نام من
بار مکان قلم مند است یا نه چپراسی پیچ و تاب خورده باز رفت خبر دیوره‌ی زبانی نهال سنگی
[illegible] امروز عنایت علی پسر ناصر الدوله وقت زوال در نیلام خانه جا گرفته
انگریز ساکن کوله گنج رفته و تا ساعت قرار گرفته دو چهار سفید شرط بستند
بطور جا گرفته بخانه آمد فقط زبانی پورن و خیراتی هرکاره ها خبر جوهره حرم بازار
امروز مرزا ابو تراب گوهر وغیره مفصل ذیل معرفت چنی لال دلال ساکن چوک
مدرسه هیمن لال جوهری ساکن عقب چوک بقیمت هشتصد روپیه بلا فرح فروخت نمود

ده حرد	دو طلا	ضعیه [illegible]	ضعیه کوهید	کهربا	زمره مار زرد	ضعیه خنجر	[illegible]
مانک دانه	سه دانه	ویک دانه	صد دانه	یک کورر	یلا وزن	سه دانه	[illegible]

خبر دیوره‌ی مرزا علی قرابتی بیگم صاحبه امروز ماهی سکه سپاهی همراهی
هولاس سکه اولاد حکم وزیر الممالک نواب صاحب بهادر زبانی قطب اعظم
بمرزا علی قرابتی بیگم صاحبه رسید که مکان سکونت که از رجب میکرد دو زاد

امروز در محل مریم مکانی جناب بیگم صاحبه کمالی خانم وغیره منیج مغلانی و سید محمد
و جیبا خانم حاصدان برادر از خانه خود ها آمدند و لاابتی خانم وغیره سه مغلانی
از محل بخانه خود ها رفتند و محمد علی و بنده حسین حکیمان و میرزا علی پسر حکیم طبیب
آمده بعد دو ساعت روانه خانه شدند و آفرین خواجه سرا یازده چکیره تره و
بادرنگ وغیره و نورن زن باغبان منیج چکیره تره و بادرنگ و سرسایه وغیره
بر دیوهی رسانیدند و قادربخش چوبدار ملازم سرکار دولت بیدار یکقطعه کاغذ
آورده دستخط حکیما ما نزد جناب بیگم رسانیده باز رفت فقط زبانی او دیگر کاره
[illegible] امروز میرزا محمد خویش میرزا زلفو چلک روب وغیره سه مزدور
را برمزدوری مقرر ساخت چلک روب مذکور بر سبیل تذکره بروی آب آورد
که میرزا زلفو تنخواه بجا در نامی برادر قرابتی من که نوکر داشته بود نمیدهد فرد
هیچ که خواهد شد خواهم گرفت بر بعضی میرزا محمد مذکور گفت که تو خسر را چه مسلکوی
و یک طپانچه بر عارضش زد او هم مقابله برداشت ازینجهت میرزا محمد مذکور و
ظهور حسن برادرش و حیدر قلی چیله اش چلک روب مذکور را دو بار گندی
که دران آب بود انداخت و تنبیه ها زد که نشانهای ضرب بر بدنش افتاد
و خون از بینی و ناف از دهانش جاری گردید بنابران چلک روب مسطور داخواه

آمده متصل حوض فرود شده بود آغاجان داروغه امام باره موصوف بعد
برگشته رفتن جعفرعلیخان مواخذه بعضی از پهلوان سنگه حوالدار پلتن انگریزیکه
کمیدان متعینه انجا نمود حوالدار مذکور ظاهر کرد که هنگام آمدن خانم مذکور پهلهاری سنگه
همراهی من وکنگا تلنگه همراهی سپاهی سنگه کمیدان که بر پهره دروازه مذکور بودند
برای رفتن بسواری کهار به کهرسه ممانعت کرده بودند خانم مذکور برنجیال بنا و در زبانی کهر
خبر دارالضرب شد کشور وسالکرام صرافان ودکاندار چوک چهار تنکیه نقره بوزن
هشتصد وسی روپیه دست دلسکهرای کارنده بیرون دراس داروغه موشنفی
دارالضرب در پسر کودمل فروخته شد گنگوا وزن کشش یک تنکیه بوزن دوصد
وهفت روپیه وشش آنه سنجید چون صرافان مذکور را اشتباه رو داد هر دو
صراف تنکیه را بار دیگر وزن کنانند دوانه زیاده از آن بوزن بر آمد صرافان مذکور
گفتند که این سخن ضرب ثبت وزنکش مذکور خاموش ماند فقط زبانی رانم شیو پرکاش
خبر دیوری مظفرعلیخان هشت ماه میگذرد که مظفرعلیخان نسبت برادر رادی خود
با صادق علی پسر روشن علی ساکن بیرنجا را قرار داده بود امروز رسم ناتهها
بعمل آورده یک جوڑه مصالح دار و هزار روپیه نقد بخانه روشن علی مذکور فرستاد فقط
زبانی کندن هرکاره خبر دردولت بهولاناتهه برهمن ملازم سرکار دولت یافته ار

حیدر بیگخان منسوبی که در کربلا بنزد نست در عرصه دو روز خالی کن مرزا علی مذکور گفت که دو ثمسک نزد من موجود و نهصد و یازده روپیه ازان من ذمه او واجب الادا ست اگر حسب بیک مبلغ من بدهد مکان خود بگیرد و گرنه نواب صاحب بهادر را اختیار است بزبردستی خواهند بگیرند فقط زبانی بده سنگه هرکاره

خبر دیوره هی افتخار الدوله مهاراجه بیوه رام بهادر امروز یک دقیقه از روز مانده راجه بال کرشن در باغ خود واقع هوانی گنج اسپ سوار میرفت در روز یرگنج اسپش ناخنه گرفت راجه مسطور بیفتاد در مرفق دست چپش خفیف خراش و در شتالنگ پای چپ اندکی ضرب رسید راجه مزبور بخانه باز آمد فقط زبانی لسنی هرکاره

خبر کوتکشی ارادت نگر دیشب دزدان بخانه چیدر فیلبان کارخانه کنگا خولص ساکن حسن گنج از راه نقب درآمده یکدیک مسی و دو رکابی مسی و یک بادیه و هفت جلس بساده و سه دو پته و یک کلاه صالح دار و یک زوج مو شتاله سبز و سه شتار و یک کمربند شال وزدیده بردند فقط زبانی سدهاری هرکاره

خبر امام باره کلان معمول است که آینده گان امام باره کلان بر دروازه دوم امام باره موصوف از سواری فرود گردیده اندرون میروند دیشب جعفر علیخان خلاف معمول بسواری کهر کهر به اندرون امام باره آمده

بردر دولت فلک رفعت مستغیث آمده ظاهر ساختند که منظهر ... افضل ...
سیتو کهی و بهکونت زمینداران موضع اسا و زعمله برکنه زنبیر پور کرده بود هم زمینداران
مذکور تا انقضای فصل خریف و بهویت ادای زر سرکار نموده بروقت رولکاری شخص
در فصل ربیع لب زرش احمد علیخان چکله دار و عمله کچهری جایداد فصل ربیع کلی برداشته بردند
و مستعد انواع قضیه و فساد گردیدن تن باد ای زر سرکار ندادند بلکه منظهر را للعلت با فنات
مال صاحبی نزد چکله دار مذکور تقید ساخته دریی بعزلی شدند ناچار منظهر بپاس
عزت و حرمت خود بلاحجت و تکرار تمامی اثاث البیت بهمن و فرد جنس ... نوع
هشتصد روپیه و چهارده آنه بطریق تاوان ادا دادم و هر چند داد بیداد نمودم کسی شنوا نشد
ناچار مستغیث بردر دولت فلک رفعت امرکه زمینداران مذکور بردر دولت طلب شده بصفه
معامله نمایند که بداد خود برسم زبانی شیر علی هرکاره تعینه آهنی دروازه متصل فرح بخش
خیر ... امام علی چوبدار ملازم سرکار برادری غلام حیدر ... همراه کپی حراسان
ارباب کچهری بدولت ... فرستادهای جرنیل صاحب بهادر بطلب صندل دار و عمله کچهری ارباب
آمده بردر دولت برد بند صندل مذکور از آنجا آمده بدکچهری ظاهر کرد که جرنیل صاحب بهادر گفته اند که
بندی طوایف ساکنه سرحوک و ممن و حضور عزت طوایف ساکنه کرچه جهیر افغر که نوکر افغان الدوله بهادر راه میسوم
اند همراه بهادر مذکور که برای اشرف بالی زیارت کربلا و معلی مرخص رفتن نمایند حسن کمکم که ... زبانی ... کاه بخجیر